



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ستاد مرکزی راهیان نور کشور





روایت جنگ آمریکا با ایران از خاک عراق

۱. جرعه جنگ را چه کسی زد؟.....۴
۲. حمایت در حد کامله الوداد از کشوری که به ظاهر ارتباط.....۱۸
دیپلماتیک نداشت.
۳. علنی کردن روابط برای تقویت حداکثری صدام.....۳۵
۴. آمریکا نخ تسبیح همه دولت های شیطانی برای تجهیز.....۴۷
همه جانبه عراق.
۵. آمریکا بانی فشار حداکثری به ایران.....۶۸
۶. سازمان های اطلاعاتی آمریکا مستقیم در اختیار صدام.....۷۶
۷. بازگذاشتن دست صدام برای ارتکاب هر جنایت جنگی.....۸۴
۸. آمریکا هدایت مستقیم جنگ علیه ایران را به دست گرفت.....۱۰۱
۹. ورود مستقیم آمریکا به جنگ با ایران.....۱۰۹
۱۰. استیصال دشمن و ورود به عرصه کشتار گسترده غیر نظامیان.....۱۱۸
۱۱. تداوم به جنگ با ایران از خاک عراق بعد از صدام.....۱۳۱
۱۲. نتیجه گیری.....۱۴۸





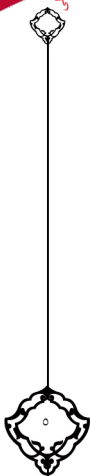
جرقه جنگ را چه کسی زد؟





از ادعای بی
طرفی تا مداخله
مستقیم نظامی در
جنگ تحمیلی اغلب
کشورهای جهان و

همه کشورهای قدرتمند از صدام و حمایت می کردند، اما
در این میان نقش ایالات متحده آمریکا بسیار مزورانه بود
، آمریکا عامل اصلی جنگ بود اما ژست بی طرفی می گرفت.
وزارت امور خارجه ایالات متحده رسماً اعلام می دارد که
در این مخاصمه سیاست بی طرفی مطلق را اتخاذ نموده و
از هیچ یک از طرفین درگیر جانبداری نخواهد کرد.
وزیر دفاع وقت آمریکا نیز اظهارات مشابهی را به عمل
می آورد. به رغم این اظهارات رسمی عملکرد واقعی دولت
آمریکا بیانگر حمایت آن کشور از عراق به طرق مختلف در
طول جنگ بوده است. (ویلمسه: ۱۳۹۲: ۱۸)





وقتی کارد به استخوان رسید و صدام در یک قدمی
سقوط قرار گرفت ، آمریکا تنها کشوری بود که برای
نجات صدام وارد جنگ مستقیم با ایران شد.

جنگ نیابتی

جنگ عراق علیه ایران در واقع یک جنگ
نیابتی بود و عراق نمایندگی مقابله با انقلاب
اسلامی را بر عهده داشت به همین دلیل
از یک حمایت تضمین شده همه جانبه و
گسترده برخوردار بود.

مفهوم جنگ نیابتی در دوره جنگ سرد به جنگی گفته
می شد که طرفین درگیر به نیابت از یکی از دو قدرت
جهانی (آمریکا یا شوروی) وارد جنگ می شدند. اما با شروع
جنگ عراق علیه ایران این مفهوم توسعه یافت و به هر
جنگی که یک کشور قدرتمند به وسیله کشوری دیگر





علیه کشور سومی به راه می انداخت اطلاق گردید؛ زیرا در این جنگ، آمریکا از عراق به عنوان کشور نایب در حمله به ایران بهره گرفت .

آمریکا محرک اصلی صدام برای جنگ

بعد از شکست آمریکا در طیس و پس از آن شکست کودتای نقاب، برژینسکی استراتژیست اصلی دولت و مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت آمریکا به اردن رفت و در تیرماه سال ۱۳۵۹ پنهانی با صدام دیدار و گفتگو کرد و او را به جنگ با ایران ترغیب کرد.

صدام تردیدی نداشت که در صورت حمله عراق به ایران ایالات متحده از اقدام جنگی وی حمایت خواهد کرد.

نقش آمریکا در ترغیب صدام به تجاوز به ایران
از زبان استراتژیست آمریکایی:

نکته کلیدی در بحث نقش آمریکا در شروع جنگ ملاقات





محرمانه برژینسکی مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا با
صدام در تیر ۱۳۵۹ درباره راه های هماهنگ کردن فعالیت
های آمریکا و عراق در مخالفت با سیاست های ایران بوده
است. اگر هدف دیدار این بوده است باید گفت اجلاس
در حکم یک شورای جنگی بوده است (تیمرن، ۱۳۷۶: ۱۶۵)
برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» آیت الله خمینی
تلقی می کرد.

اندکی پس از دیدار صدام و برژینسکی، آمریکا ۵ فروند
جت بویینگ و ۸ دستگاه موتور توربین گازی به عراق
فروخت در حالی که کاملاً آگاه بود این توربین ها برای
تجهیز ناوچه های عراقی کاربرد دارند. (تیمرن، ۱۳۷۶: ۱۶۳)
اعترافات ناصر رکنی از فرماندهان کودتای آمریکایی
نافرجام نوژه علیه جمهوری اسلامی ایران:

ناصر رکنی: در تیر ۱۳۵۹ آمریکایی ها با ما درباره تقدم
و تأخر کودتا و جنگ به بحث و بررسی پرداختند و اجرای





کودتا را در تقدم قرار دادند. زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی به تهاجم نظامی عراق نبود. (درویدیان، ۱۳۸۳: ۲۳)
شکست کودتای آمریکایی در پایگاه شهید نوژه در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ حمله نظامی را قطعی کرد و روز بعد صدام برای رسیدن آمریکا به همان هدفی که در تجاوز به طبس و کودتای نوژه پیش بینی کرده بود با هدایت مقامات آمریکایی وارد جنگ با ایران شد.

برژینسکی بنیانگذار تحریف «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس»

اعزام مکرر و محرمانه برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا به عراق قبل از ماه سپتامبر ۱۹۸۰ نقش عمده ای در تحریک عراق داشت.





برژینسکی در یکی از سفرهای خود ضمن تجلیل از عراق و صدام از «خلیج فارس» به عنوان «خلیج عربی» نام برد و این همان برهه زمانی است که عراق بر مالکیت امارات بر جزایر سه گانه تأکید می نمود، هدف دیگر آمریکا تضعیف ایران با کمک نیروهای نظامی عراق در منطقه بود که تقویت نظامی عراق نیز در همین راستا تحلیل می شود (خالو زاده ۱۳۸۳: ۴۸۶).

چرا آمریکا سعی می کرد حمایت خود از عراق را پنهان کند

اهمیت ایران برای آمریکا از جهات مختلف راهبردی از جمله جمعیت، موقعیت جغرافیایی، منابع و ... خیلی بیشتر از عراق است و با توجه به و با توجه به شبکه های بزرگ و مؤثری که آمریکا در ایران داشت، امید زیادی به بازگشت در حاکمیت ایران داشت، مایل نبود تا رسماً به





عنوان طرف مقابل یک تجاوز نظامی قوم گرایانه علیه ملت ایران شناخته و پایگاهش در بین مردم ایران به کلی از دست برود، از این رو سعی در پنهان کردن نقش خود در جنگ داشت.

اهمیت استراتژیک ایران نسبت به عراق و سودای بازگشت به سلطه ایران، آمریکا را واداشت که سعی کند پرونده خود را به صدام گره نزند.



طارق عزیز

در اواخر سال ۱۳۵۹ وقتی ماشین جنگی صدام در مقابل مقاومت مردمی از پیشروی عاجز ماند و متوقف شد.

lefigaro.fr

LE FIGARO

« Tous les Mardis de 18 heures. Il paraît aussi d'après l'heure d'été. »





صدام که قرار بود ۳ روزه به تهران برسد نتوانست به هدف خود که سقوط حاکمیت بود جامه عمل بپوشاند. انتقادات مقامات غربی از صدام شروع شد، آنها نمی خواستند حامی طرف شکست خورده محسوب شوند. صدام بدل زد و دستور داد طارق عزیز در سفر به فرانسه خبر ملاقات صدام و برژینسکی را در اختیار مجله فیگارو قرار دهد، تا به عنوان اعتراض عراق به سیاست های آمریکا در قبال عراق منتشر شود.

گزارش فیگارو چنین است: «جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیر ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که آمریکا با آرزوی عراق درباره شط العرب



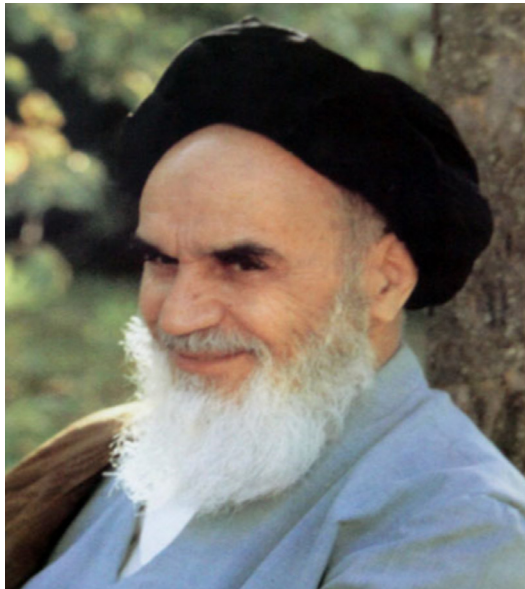


(اروندرو) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد.»

آفرین به بصیرت حضرت امام خمینی (ره)

با وجود آنکه صدام به ظاهر یک فرد سوسیالیست بود، با وجود آنکه رژیم بعث در آغاز جنگ جزء لیست طرفداران تروریسم آمریکا بود، با وجود آنکه رژیم بعث در سال ۵۹ هیچ ارتباط دیپلماتیک با آمریکا نداشت و به ظاهر دشمن آمریکا شناخته می شد، چندین ماه قبل از اینکه ملاقات برژینسکی با صدام برای حمله به ایران لو برود، امام خمینی (ره) در همان روز آغاز جنگ از آمریکایی بودن ماهیت جنگ خبر داد. امام در ۳۱ شهریور سال ۵۹ و روز قبل از آن دو پیام صادر فرمودند یکی قبل و یکی بعد از شروع تجاوز صدام که در هر دو پیام از آمریکایی بودن صدام و ماهیت رژیم بعث به ایران خبر می دهد.





نقش آمریکا در جنگ جهانی
از تزویر تا زور



ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است .

۱۳۵۹/۶/۲۱ پیام امام خمینی به زائرین بیت الله الحرام

صدام علفی این نوکر بی اراده آمریکا و اسرائیل.

۱۳۶۱/۶/۲۹ پیام امام خمینی به مناسبت عیدسعید قربان

آلت دست آمریکا تجاوز کرده است به ایران.

۱۳۵۹/۶/۳۱ بیانات امام خمینی به مناسبت آغاز تحصیلی جدید

این صدام حسین است که به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است .

۱۳۵۹/۶/۳۱ بیانات امام خمینی به مناسبت آغاز تحصیلی جدید





دوره انقلاب بهمنه زمان انقلاب و پس از آن که با امام
امام: این اسلام بود که
زنان را وارد صحنه
سیاست کرد

آتشبازانک
الله اکبر خلق
یکم تو طنه گران
و اعیان ز اند

و بمان: ماه استقامت و یورش
چنان که ملت با ملت ایران می‌باشد

تیمان برای اولین بار فاش می‌کند
سند همکاری رژیم
بعث عراق با عناصر
مزدور در خوزستان

اعلام ساختمان ۱۱۹۰۰
خانه‌ها و زمین‌ها
۱۳۳۰ استان کشور

تعقیب و بازداشت وسیع عوامل کودتا در سراسر کشور

استادان این همدان و اهلام نکات نمازهای
از نوشته کودتا را فاش کردند
در استان تهران
۳۰ نظامی دیگر
در لشکر اهواز
گرفتار شدند

۶۰ هزار
روستا
زیر پوشش
وزارت
حکومتی
فرار
پای گویان

تاریخ و نحوه
ثبت نام
مدارس تهران
اعلام شد

۱۲ صفحه
کیمیا
نشر - ۱۵ رطل
شرایط و چگونگی خرید، فروش
و اجاره

شکست کودتای آمریکایی نقاب
تعدادی از نظامیان کودتاجوی پس از دستگیری





شکست تجاوز آمریکا به طَبس





حمایت در حد کامله الوداد از کشوری که
در ظاهر حتی رابطه دیپلماتیک ندارد



قاعده دولت کامله الوداد

قاعده رفتار دولت کامله الوداد اعضای سازمان جهانی تجارت را از اعمال تبعیض میان اعضای دیگر در روابط تجاری منع می‌کند؛ به گونه ای که هریک از اعضا باید با سایر اعضا همچون بهترین دوستان خود رفتار کند (ماده ۱ گات). در نتیجه، اعضای سازمان جهانی تجارت به طور یکسان از بهترین شرایط تجاری ایجاد شده در نظام تجارت یکدیگر (چه در رژیم تعرفه‌ای و چه در سایر مقررات تجاری) برخوردار خواهند بود. در واقع، این قاعده محصولات تمامی شرکای تجاری کشورهای عضو را در موقعیت برابر قرار می‌دهد. در حالی که آمریکا با عراق حتی روابط دیپلماتیک هم نداشت، فقط به خاطر اعمال دشمنی با ایران، از رژیم بعثی عراق در حد یک ارتباط کامله الوداد حمایت کرد.





ریچارد مرفین

پاداش تحمیل جنگ به ایران؛ رژیم بعث از فهرست حامیان تروریست ها خط خورد جمهوری اسلامی به این فهرست اضافه شد.

عراق تا آن زمان که جزء لیست کشورهای حامی تروریست ها بود و در تحریم کامل ازسوی آمریکا به سر می برد به دنبال جنک با ایران، از لیست کشورهای حامی تروریست آمریکا خارج شد؛ واضح ترین ملاک و معیار تشخیص رویکرد خصمانه ایالات متحده در قبال ایران را می توان حذف عراق از فهرست کشورهای تروریستی در



نوامبر ۱۹۸۳ و جایگزین نمودن ایران در همان فهرست دوماه بعد در ژانویه ۱۹۸۴ دانست.

این در حالی بود که خبر وقوع تجاوز عراق به ایران هیچ حادثه ای که بتواند منشأ چنین تغییری در دو کشور شده باشد به وقوع نپیوسته بود.

در جریان جنگ عراق با ایران برای آنکه امریکا بتواند به بغداد کمک کند باید ابتدا اتهام تروریستی را از پیشانی عراق پاک می کرد، تا کمک های خود و سایر کشورها را قانونی جلوه دهد (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۳۵).

هنگامی که وزرات امور خارجه آمریکا تصمیم گرفت بغداد را از تمامی اتهامات تروریستی مبرا اعلام کند به خوبی می دانست که سازمان ابونضال از حمایت گسترده بغداد برخوردار است، مقام های انگلیسی نیز یافته های خود را در مورد دست داشتن عراق در ترور آرگوف به اطلاع ایالات متحده رساندند.





اما به گفته ریچارد مورفی «از آن پس دیگر در وزارت امور خارجه در مورد حمایت بغداد از تروریسم سخنی به میان نیامد. موضوع کلاً و برای همیشه از دستور کار خارج شده بود.» (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۳۷)

نتایج خط خوردن عراق از فهرست حامیان تروریسم
در سال ۱۹۷۹ میلادی [۱۳۵۷ شمسی] آمریکا، عراق را به دلیل روابطش با برخی سازمان های انقلابی فلسطینی [به تعبیر آمریکایی ها تروریستی] در فهرست کشورهای [به اصطلاح] حامی تروریست قرار داد.
کشوری که در این فهرست قرار می گیرد مشمول ممنوعیت خرید و واردات سلاح و ممنوعیت کمک اقتصادی می شود و هر گونه صادرات اقلام با کاربرد دو گانه به آن کشور محدود می شود.
دولت آمریکا بعد از شروع جنگ با ایران با وجود اینکه





نام عراق در این فهرست بود آمریکایی ها به شدت به عراق کمک مادی می کردند در سال ۱۹۸۲ میلادی به این نتیجه رسیدند که شکست عراق در برابر ایران به ضرر منافع آنهاست. لذا در فوریه ۱۹۸۲ میلادی [۱۳۶۰] دولت آمریکا بدون مشورت با کنگره، عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریست خارج کرد. دلیل رسمی خروج عراق از فهرست کشورهای حامی تروریست همچنان مبهم است. اما این اقدام حسن نیت آمریکا در برابر عراق نشان داد و زمینه کاهش محدودیت صادرات اقلام با کاربرد دوگانه عراق را نیز فراهم کرد. واقعیت دیگر این است که این اقدام آمریکایی ها با موضع دیرینه ادعایی وزارت خارجه این کشور نسبت به کشورهای حامی تروریست در تقابل بود. (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۷۳)





حمایت سیاسی از صدام حتی در مقابل اسرائیل

در قبال کوتاه آمدن صدام از پیگیری
حمله اسرائیل به تأسیسات اتمی عراق
کرک پاتریک نماینده آمریکا در سازمان
ملل پس از دیدار مخفیانه با سعدون
حمادی و زیر امور خارجه وقت عراق
و صلاح عمر العلی نماینده عراق در
سازمان ملل در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ به
قطع نامه محکومیت اسرائیل در حمله به
پایگاه اوسیراک رأی مثبت داد چند هفته



سعدون
حمادی



صلاح
حمادی

بعد در بغداد صدام حسین که کاملاً از اوضاع راضی بود
اعلام کرد که قصد دارد رئیس بخش حافظ منافع آمریکا
در سفارت بلژیک را به صورت دوافکتوی ایالات متحده در
عراق بپذیرد. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۲۷)





رسوایی بزرگ تاریخی آمریکا در حمایت های قطع نامه ای از رژیم بعث در سازمان ملل اولین نشانه موضع جانبدارانه آمریکا در قطع نامه های ۴۷۹ [۶ مهر ۵۹] و ۵۱۴ [۲۱ فروردین ۶۱ پس از فتح خرمشهر] و قطعنامه ۵۲۲ [۱۲ مهر ۶۱] شورای امنیت آشکار شد.

قطع نامه ۴۷۹ را با قطع نامه ۶۶۰ شورای امنیت درباره هجوم عراق به کویت مقایسه کنید.

برخی تفاوت های آشکار در موضع گیری سازمان ملل در این دو رسوایی بزرگ غیرقابل توجه است.



در قطعنامه ۱۳۵۹ شمسی نه تنها عراق به عنوان متجاوز معرفی نشد بلکه هیچ کس خواستار عقب نشینی نیروهای این کشور به پشت



مرزهای شناخته شده بین المللی نیز نشد. حتی در قطعنامه ۵۱۴ و ۵۲۲ در سال ۶۱ هم هیچ اشاره ای به متجاوز نشد.

در حالی که در قطنامه ۶۶۰ برای کویت که در همان روز اول حمله عراق به کویت در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ صادر شد، تکلیف همه چیز روشن بود، هم متجاوز تعیین شده بود و هم او را ملزم به عقب نشینی به مرزهای بین المللی می کرد.

اولین حمایت های مالی و نفتی آمریکا از عراق

با بروز مشکلات جدی در عراق و ظهور آثار اقتصادی جنگ، آمریکا به حمایت سیاسی و اطلاعاتی و فروش تسلیحات بسنده نمی کند و برای حمایت از صدام مستقیماً وارد میدان کمک مالی به صدام می شود. در دسامبر ۱۹۸۲ ایالات متحده ۲۱۰ میلیون دلار وام تخصیص داد که





در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ نیز ۴/۷ میلیارد دلار وام تضمین شده (عملاً بلاعوض) برای تجهیز صنایع نظامی عراق به آن کشور اعطا کرد. بهبود روابط آمریکا با عراق موجب افزایش قابل ملاحظه واردات نفت آمریکا از عراق شد به گونه ای که در ۱۹۹۰ آمریکا ۲۴ درصد از صادرات نفت عراق که شامل ۸ درصد واردات نفت آن کشور می شد را خریداری می کرد در ادامه این همکاری ها کمپانی ها نفتی آمریکایی خطوط جدید حمل و نقل نفت در عراق با هزینه ای معادل ۴۸۴ میلیون دلار احداث می کنند.

ایجاد ارتباط تروریستی آمریکا و صدام

جورج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا، در ۱۰ مه ۱۹۸۳ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۲) در خلال سفر به پاریس، محرمانه با طارق عزیز، همتای عراقی اش دیدار کرد. شولتز به پاریس رفته بود تا با متحدان اروپایی در سازمان ملل همکاری



مسعود رجوی



طارق عزیز



جورج شولتز



و توسعه اقتصادی در مورد تهدید ایران به مذاکره بپردازد. طارق عزیز با شولتز همدلی نشان داد و پیشنهاد کرد عراق در زمینه های گروه های تروریستی هوادار ایران اطلاعاتی در اختیار آمریکا قرار دهد (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۶۵).

در دسامبر ۱۹۸۲ بنگاه اعتبار کالای (ccc) شاخه ای از وزارت کشاورزی آمریکا بی سرو صدا اعتباری به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار برای خرید گندم و برنج را در اختیار دولت عراق قرار داد. تضمین (ccc) به صورت وام نبود. بلکه در زمینه صدور غله، عراق را جزء دولت های کامله الوداد قلمداد میکرد.



به برکت این اقدام عراق یک شبه در بازارهای مالی آمریکا اعتبار پیدا کرد. دولت آمریکا تضمین داد که اگر عراق تا سه سال آینده پول غله خود را نپردازد، خود رأساً پول طلبکاران عراق را پرداخت خواهد کرد (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۵۹).

در نیمه سال ۱۹۸۳ وزارت کشاورزی آمریکا ۲۰ درصد بر اعتبار عراق افزود و در پایان همان سال، اعتبار عراق را دو برابر کرد و غله ای به میزان یک میلیارد دلار به عراق فروخت (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۶۰).

سند سازی امریکایی ها برای ارسال کمک های ممنوعه به عراق

هیچ کس بدون مجوز رسمی به عراق اسلحه صادر نمیکرد و به همین دلیل حوبش آنچه را که بعدها در آن دفتر کوچک در ویرجینای آمریکا روی داد را باور نمی کرد. در آن بعد از ظهر زمستانی رابرت جانسون از مأموران سیا روی





صندلی خود به عقب تکیه داد و لیست خرید یک میلیارد دلاری حسین کامل (داماد صدام) را بررسی کرد. او همراه با همکارش اqlام را مرور کردند: موشک ها، قطعات دفاعی الکترونیک، تانک ها، هلی کوپتر ها و ... سپس جانسون اظهار داشت که مشکلی وجود ندارد. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۴۱) فریدمن توضیح می دهد که در این گفتگوها از واژه عراق استفاده نشده و به جای آن کلمه اردن مورد استفاده قرار می رفت و همچنین «تنها مشکل این افراد این بود که با استفاده از مدارک جعلی بتوانند حمل کالاها به عراق را مخفی کنند» (فریدمن، ۱۳۸۳: ۴۲)

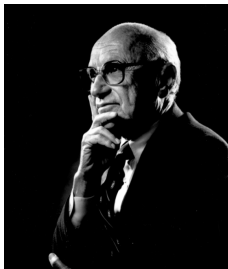




وحشت آمریکا از پیروزی های جمهوری اسلامی ایران
با عقب نشینی عراق از ایران در بهار سال ۱۹۸۲ این نگرانی در واشنگتن پدید آمد که مبادا عراق در نهایت بازنده جنگ شود و مشاهدات ایران پیروزمندی که خواهد انقلاب بنیاد گرایانه اش را به مرزهای غربی صادر کند و در قلب جهان عرب گسترش دهد، آن چیزی نبوده که آمریکا می خواست. این رویدادها در گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا مورد بررسی قرار گرفت و راه را برای تمایل بیشتر آمریکا به جانب عراق هموار ساخت. در گزارش آمده بود «ایالات متحده آمریکا گام هایی در مسیر پشتیبانی از عراق و ممانعت از پیروزی ایرانیان برداشته است»
(تیمرمن، ۲۵۸: ۱۳۷۶)

از آن زمان میلیاردها دلار به صورت وام، تجهیزات نظامی و همچنین سیل دائم اطلاعات با ارزش نظامی مربوط به جابجایی نیروهای ارتش ایران که واشنگتن توسط





ماهواره های جاسوسی و جاسوسان خود در ایران به دست می آورد در اختیار صدام قرار داد. (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۸۸).

در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ که او بر مبادلات اسلحه در خاور میانه نظارت می کرد، متوجه مسائل عجیبی شد. گاهی او تلگراف هایی را می خواند که در آنها به انتقال تسلیحات ایالات متحده از طرق کشور ثالث به عراق اشاره شده بود.

او می دانست چنین انتقال هایی غیر قانونی است... تجهیزات نظامی ایالات متحده شامل مهمات، قطعات یدکی، وسایل دفاعی الکترونیک و رایانه ها به دستور کاخ سفید به عراق ارسال می شد. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۱).





به اعتقاد تایشر «دولت برای این انتقال ها، اشخاص سوم و کانال هایی خصوصی می یافت، من این را سیاست کثیف می نامم ... چنین فعالیتی باید با مجوز سری رئیس جمهوری انجام می گرفت ... [اما] این معاملات در هیچ دفتری به ثبت نمی رسید» (فریدمن، ۱۳۸۳: ۵۳).

عراق گیت و کمک های مالی امریکا به عراق

از موضوعات شاخص در رسوایی عراق گیت، وام ها و اعتبارات مالی مهمی بود که بانک ناسیونال دلاور و آنها را پرداخت کرده بودند. در دسامبر ۱۹۸۲ [آذر ۱۳۶۱] شعبه آتلانتا و اگزیم بانک وزارت کشاورزی امریکا تصمیم گرفت به عراق وام بدهد.

تقریباً ۱۱ ماه پیش از این، امریکا به طور رسمی نام این کشور را از کشورهای حامی تروریسم حذف کرده بود تا راه برای تأمین اعتبار، تأمین وام و صادرات تجهیزات کاربرد





دوگانه به عراق فراهم شود. (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

موضوع اعطای این اعتبارات با توجه به اینکه چنین اعتباراتی پیش از آغاز جنگ ایران و عراق وجود نداشت و به طور قطع به ایران اعطا نشده، به تنهایی دلیلی بر کمک آشکار آمریکا به عراق محسوب می شود و در نتیجه مبین جانب داری عمیق آمریکا از عراق بود. در ماجرای عراق گیت روشن شد که کاخ سفید با دور زدن قوانین آمریکا مخفیانه به عراق کمک کرده تا این کشور بتواند به تسلیحات ارزشمند و گران قیمتی دست پیدا کند. با این حال اینجا تنها کاری که می توان کرد این است که این مورد را به مواردی که پیش از این افشاء شده اضافه کنیم (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۰۴)



علنی کردن روابط برای تقویت حداکثری صدام



سعدون حمادی

وقتی خبرنگار روزنامه
«الوطن العربی» از سعدون حمادی
پس از ملاقاتش با جورج شولتز
(وزیر خارجه آمریکا) علت این ملاقات را
جویا شد، او پاسخ داد: این اولین
بار نیست که ما پیام های تبریک
به هم می دهیم، من قبلاً با ونس
(وزیر خارجه قبلی آمریکا) ملاقات کرده ام

و در پاریس با کیسینجر و هیگ (وزیر جنگ آمریکا) نشست
هایی داشته ام و اغلب اوقات با شولتز ملاقات دارم. این
در حالی بود که هنوز چند ماه از روی کار آمدن شولتز
نگذشته بود.

درخواست علنی صدام برای برقراری ارتباط رسمی
دیپلماتیک با آمریکا در تیرماه ۱۳۶۱ بعد از شکستش در
خرمشهر صورت گرفت ، صدام در مصاحبه با نشریه تایم



آمریکا گفت: «مایلیم با آمریکا رابطه دوستانه داشته باشیم، ما چگونه می توانیم این روابط را برقرار کنیم؟» بلافاصله ریگان پیام تبریک به مناسبت چهاردهمین سالگرد کودتای حزب بعث برای صدام فرستاد.

در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۳ دونالد رامسفلد، فرستاده ویژه ریگان در خاور میانه وارد بغداد شد. وی نامه دست نوشته ای را برای صدام به همراه داشت: ریگان در این نامه از سرگیری روابط دیپلماتیک و گسترش ارتباط نظامی و تجاری با بغداد را پیشنهاد کرده بود.

حمایت رسمی مستقیم از صدام و دلگرم کردن او بعد از شکست بزرگ اوج تلاش های آمریکا تشکیل نشست دونالد رامسفلد نماینده ویژه ریگان رئیس جمهور آمریکا با طارق عزیز و شخص صدام در دسامبر ۱۹۸۳ [آذر ۱۳۶۲] بود ... رامسفلد درباره نگرانی عراقی ها از بابت ادامه ارسال سلاح ها و قطعات یدکی آمریکایی به ایران از طریق طرف های



ثالث، به آنها گفت: «آمریکا تلاش بیشتری خواهد کرد تا با همکاری عراق فهرست کشورهای ثالث مورد نظر را تعیین و فروش سلاح های آمریکایی از طریق آنها به ایران را به حداقل برساند» (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۷۶)

در اینجا بود که دولت ایالات متحده، کلاه به دست به صدام می گفت: «ما به شما احترام می گذاریم، چگونه می توانیم به شما کمک کنیم؟ اجازه دهید به شما کمک کنیم». صدام مؤدبانه گوش داد و سپس به رامسفلد گفت: «آمریکا باید تلاش کند تا جریان تسلیحات به ایران را قطع کند». اما ایالات متحده کار بیشتری انجام داد و آن پرداخت وام های تضمین شده دولتی به عراق بود. از جمله ابزاری که برای این کمک پنهانی انتخاب شده بود بانک صادرات واردات بود که در واشنگتن به اکسیمی بانک معروف است.





بیعت صدام با اسرائیل؛ شرط برقراری روابط رسمی آمریکا با عراق

از شهریور ۱۳۶۱ ملاقات های فشرده استفان سولارز نماینده حامی پروپاقرص اسرائیل در کنگره آمریکا با صدام آغاز شد؛ صدام در مذاکراتی که متن آن در بیانیه این عضو کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا فاش شد، موجودیت اسرائیل و تضمین امنیت آن را به رسمیت شناخت. بلافاصله آریل شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعلام کرد آنچه امروز از امنیت اسرائیل مهم تر است این امنیت عراق است.

نجات صدام از سقوط قطعی در تابستان ۱۳۶۲ ذخایر ارزی صدام به صفر رسید؛ تیمرمن می نویسد: «در این شرایط که نگرانی شدید طلبکاران کویتی و سعودی شدت یافته بود تنها





کشوری که می توانست بداد صدام برسد آمریکا بود؛ به زودی بهترین منبع وام عراق شد».

روابط رسمی آمریکا با عراق

بعد از عملیات آزاد سازی خرمشهر و به ویژه بعد از عملیات رمضان روابط سیاسی آمریکا با عراق به حدی می رسد که عین ظاهر قطع روابط سیاسی، تقریباً هر ماه یک بار و در پاره ای اوقات دو یا سه بار در ماه دیدارهای سیاسی در سطح معاون رئیس جمهور، وزیر خارجه، معاونین وزیر خارجه و نمایندگی سازمان ملل برگزار می شد. روابط اقتصادی و نظامی نیز بدون ممنوعیت ادامه می یابد تا جایی که ویلیام کوانت مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا می گوید: «واشنگتن در جنگ طرف عراق را گرفته است».





ملاقات طارق عزیز با شولتز

زمینه سازی ایجاد روابط مستمر و حمایت بیشتر فرانسه از صدام برای ارتباط قوی تر با غرب.

صدام میخاییل یوحنا، یهودی زاده غربگرا را به وزارت خارجه منصوب کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۲ ملاقات این عنصر مرموز با جرج شولتز وزیر امور خارجه وقت امریکا نه تنها برقراری روابط مستقیم با آمریکا را هموار کرد بلکه موجب تحول اساسی در روابط عراق و فرانسه شد. سیر صعود معاهدات فرانسه و عراق بالا گرفت و هواپیماهای پیشرفته سوپرانتادارد فرانسوی به عراق تحویل شد.

برقراری روابط دیپلماتیک با صدام

روابط واشنگتن با عراق چه در خفا و چه در سطح رسمی گرم تر می شد. صدام شهرت خود را به عنوان یک یاغی بین المللی حفظ کرده بود، اما کاخ سفید منافع خود را



در وادی حمایت از او جستجو می کرد. طبیعی بود اظهار تمایل ایالات متحده سرانجام به از سرگیری کامل روابط دیپلماتیک منتهی می شود. در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴، روزی که روابط آمریکا و عراق رسماً برقرار شد، رونالد ریگان، طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق را به نشانه دوستی در کاخ سفید پذیرفت ... در وزارت خارجه ایالات متحده، دفتری به منظور مدیریت سیاست ایالات متحده تأسیس شد. این در حالی بود که جنگ ایران و عراق در خلیج فارس ادامه داشت. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۶۰)

صدام شهروند افتخاری آمریکا

روابط صمیمانه صدام و آمریکا به جایی رسید که صدام طی مراسم رسمی به عنوان شهروند افتخاری دیترویت آمریکا معرفی شد. شهردار دیترویت Coleman Young (کلمن یانگ) صدام را در سال ۱۹۸۰ شهروند افتخاری



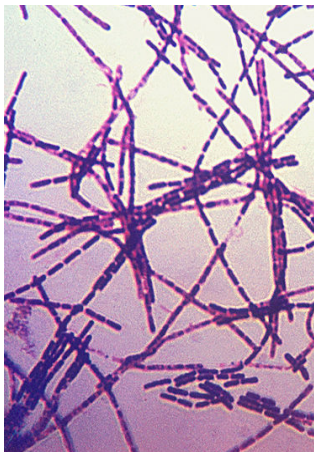


ملاقات ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا و طارق عزیز وزیر امور خارجه رژیم بعث دیترویت آمریکا معرفی کرد.

**برقراری روابط با عراق بعد از کاربرد گسترده
سلاح شیمیایی و نقض گستاخانه حقوق بشر**
روابط دو طرف هنوز فراز و نشیب های فراوانی داشت،
اما نه از این بابت که آمریکا بطور علنی عراق را به دلیل
کاربرد سلاح شیمیایی محکوم کرد؛ زیرا سرانجام ثابت شد
که حتی جنگ شیمیایی عراق نیز مانعی برای برقراری
روابط دوباره رسمی دیپلماتیک این کشور با آمریکا نیست



و این روابط در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ [۵ آبان ۱۳۶۳] با دیدار طارق عزیز و ریگان در کاخ سفید برقرار شد. (ویلمسه، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷)



دیوید کلی متخصص سلاح های بیولوژیکی انگلیس: در سال ۱۹۸۵ عراق از ایالات متحده ۸ گونه از عناصر عامل سیاه زخم (برای سلاح های بیولوژیک)، خریداری کرده است.



دیدار صدام با معاون دستیار وزیر
امور خارجه آمریکا در خاورمیانه
در سال آخر جنگ



دیدار صدام با سفیر آمریکا در
عراق (گلاسنپی) در سال ۱۹۹۰



شهردار دیترویت Coleman Young (کلمن یانگ) صدام را در سال ۱۹۸۰ شهروند افتخاری دیترویت آمریکا معرفی کرد.

آمریکا نخ تسبیح همه دولت های شیطانی
برای تجهیز همه جانبه صدام



روند افزایشی مداخله آمریکا در حمایت از صدام

در ابتدای تهاجم عراق، آمریکا به عنوان تماشاچی و خوشحال از تجاوز، موفقیت های ابتدایی صدام را تعقیب می کرد. اما از سال ۱۹۸۲ که ایران سرزمین های اشغالی را باز پس گرفت، شرایط تغییر کرد. در فوریه همان سال عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج شد. برای جلوگیری از شکست عراق و سقوط صدام حسین، دولت ریگان و سپس جرج بوش تصمیم گرفتند به کمک صدام بشتابند. تصمیم رسمی توسط راهنمای شورای امنیت ملی آمریکا در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳ گرفته شد. در بخشی از سند سری که در اختیار عموم قرار گرفته آمده است: «آمریکا برای آنکه عراق شکست نخورد، تمام توان و امکانات لازم و قانونی خود را به کار خواهد گرفت» آمریکا کمک های گسترده خود به رژیم بغداد را چنین توجیه کرد: «هر شکست مهم عراق، در واقع یک شکست استراتژیک



غرب است» (روزنامه لوموند، چاپ پاریس، همکاری های سری نظامی آمریکا و صدام در گذشته نوشته اریک لسر ericleser ترجمه دکتر کاظم رنجبر، مارس ۲۰۰۳، ص ۴)

عملیات استانچ

تجهیز نظامی عراق و تشویق سایر کشورها به تجهیز گسترده صدام از سوی آمریکا؛ بر اساس عملیات استانچ تجهیز نظامی عراق در اولویت سیاست خارجی ریگان قرار گرفت در یک سند طبقه بندی شده شورای امنیت ملی آمریکا مورخ ۱۹۸۳ آمده است که ایالات متحده باید سایر کشورها را به تسلیح نظامی و تأمین مالی عراق در جنگ تشویق کنند. در نتیجه چنین سیاستی دولت ریگان عملاً و بطور پنهانی به اردن کویت و مصر اجازه داد تا اسلحه های آمریکایی شامل قطعات نظامی و هلی کوپترهای از نوع هیوز را به عراق ارسال دارند.





عراق گیت تأمین سلاح صدام توسط واسطه ها ازسوی آمریکا

به نظر مارتین ویلمسه «عراق گیت» که نام آن یادآور ماجرای واتر گیت است، موضوع دیگری بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی [دهه ۱۳۷۰] برملا گردید و در آن مشخص شد که چگونه واشنگتن، لندن و رم به بغداد اطمینان دادند که سلاح کافی در اختیارش قرار خواهند داد، منوط به اینکه کاری به محل تأمین آن نداشته باشد و گاهی این سلاح ها حتی با کمک مستقیم سازمان اطلاعات آمریکا «سیا» به عراق واگذار شده بود. علاوه بر آن اعتبارات مالی عظیمی نیز در اختیار عراق قرار داده شده بود که بخشی از آن را می بایست به خرید





فناوری نظامی از غرب اختصاص می داد.
ماجرای عراق گیت هیچ گاه به طور کامل افشا نشد
و مدارک منتشر شده در این باره نیز نسبتاً ضعیف است.
اما این موضوع هم یکی دیگر از رسوایی های دولت
آمریکاست که افراد بسیاری مایل به ادامه تحقیقات درباره
آن نبودند (ویلمسه، ۱۳۹۲: ۹۶).

حمایت صریح آمریکا از کشور ناقض حقوق بشر

عراق ماری که آمریکا در آستین خود پروراند .
آمریکا با وجود آگاهی به دیکتاتوری صدام و نقض حقوق
بشر از جانب آن، اما نگرانی عمده اش ایران بود نه عراق.
آمریکا ترس داشت که ایران باعث آشوب در خاورمیانه شود
و مراکز نفتی حیاتی این منطقه را با تهدید مواجه سازد.
از این رو از عراق حمایت مالی، اطلاعاتی، اقتصادی، نظامی
و تجهیزاتی کرد. و بارها چشمان خود را در مقابل غارت و





جنايات صدام بست. به اعتقاد آمريكايي ها موج حملات انساني ايران اين تهديد را به وجود آورده است كه ارتش عراق شكست بخورد، از اين رو واشنگتن تصميم گرفت تا مخفيانه وارد عمل شود. ليست خريدهاي عراق از آمريكا شامل اطلاعات كامپيوتري شده براي وزارت كشورصدام، هلي كوپتر، دوربين هاي تلويزيوني، تجهيزات تجزيه موادشيميايي براي كميسيون انرژي اتمي عراق بوده است. (هفته نامه نيوزويك، نگاهی به پيوندهاي آمريكا و صدام در طول ۲۰ ساله گذشته، صدام؛ ماري كه آمريكادرآستين خود پرورانده است، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۳ در (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۹۳)) اعترافات تحليلگر و استراتژيست آمريكايي در خصوص تلاش آمريكا براي تجهيز زرادخانه عراق بر عليه ايران





طی ۱۵ سال قبل از تهاجم صدام به کویت سوداگران غرب و دولت های شان به عراق کمک کردند تا مخوف ترین و دهشت بارترین زرادخانه در خاورمیانه را ایجاد کند، زرادخانه ای که ابعاد آن در منطقه بی سابقه بود. آنها به عراق، تانک، جنگنده مافوق صوت، سلاح شیمیایی، موشکهای دور برد و مواد مورد نیاز برای تولید سلاح هسته ای فروختند. شرکت ها، بانکداران و حامیانشان در دستگاه های دولتی گروه قدرتمند ذینفوذی به وجود آوردند که وجه مشترک همه آنها ایجاد غول خونخواری در خاورمیانه بود. هر گروه به سهم خود به ساختن ماشین مرگ آفرین صدام کمک کرد و برای حفظ ارتباط با عراق، به اعمال نفوذ در دستگاههای دولتی پرداخت. این سوداگران مرگ درعین حال که درگیر رقابتی بسیار شدید با یکدیگر بودند، وقتی پای دفاع از عراق به میان می آمد همه اختلاف ها را کنار گذاشته و با یکدیگر همصدا می شدند. (تیرمن، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۵)





عدنان خیر الله وزیر دفاع صدام

سایر اتباع آمریکایی، تاجران
اسلحه ای چون سارکیس
سوغانلین از کارگزاران سیا
در میامی بودند، وی در طول
دهه ۸۰ میلادی ده ها میلیارد
دلار جنگ افزار نظامی برای
عراق تهیه کرد و سپس لیست
معاملات خود را به واشنگتن

ارسال نمود. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۶۹)

وی در سال ۱۹۸۴ واسطه فروش ۴۵ فروند بالگرد مدل
بل به عراق شد.

سوغانلین با جت اختصاصی خود عاملان سیا را به بغداد
برد تا آنان بتوانند برخی از تجهیزات مربوط به انتقال
تصاویر ماهواره های آمریکایی به عراق را نصب کنند.
همچنین وی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تعدادی از افسران





ارتش آمریکا را به عراق برد تا با استراتژیست های عراقی متخصص در میدان نبرد ملاقات و مشورت کنند. به هر حال سوغانلین با عدنان خیر الله روابط شخصی و نزدیکی داشت (فریدمن، ۱۳۸۳: ۷۰).

حمایت های آمریکا برای حفظ قدرت اقتصادی صدام

در بهار ۱۹۸۴ اکسیمبانک تحت فشار قرار گرفت تا برای پروژه خط لوله جدید عقبه عراق ۵۰۰ میلیون دلار وام تضمینی را پشتوانه آن مالیات دهندگان آمریکایی بودند، به عراق پرداخت کند. قرار بود این خط لوله یک میلیون بشکه نفت خام را روزانه از شمال غرب عراق به بندر عقبه در اردن منتقل کند و بدین ترتیب نفت را از منطقه جنگی خلیج فارس دور کرده و به دریای سرخ برساند. از آنجا که این خط لوله از جنگ و تنگه هرمز که ایران تهدید به بستن آن می کرد، دور بود، ایجاد اختلاف در فروش نفت از





سوی تهران را دشوار تر می ساخت و این امر برای صدام بسیار حیاتی بود (فریدمن، ۱۳۸۳: ۵۹-۵۸)

حمایت های آمریکا برای حفظ قدرت اقتصادی صدام؛ احداث خط لوله نفت عقبه با پول آمریکا زیر سایه اسرائیل، چند میلیارد دلار اعتبار ساخت این خط لوله توسط آمریکا تأمین شد و آمریکا به صدام تضمین داد که اسرائیل به این خط لوله که از ۲۰ کیلومتری مرز فلسطین اشغالی عبور می کند هیچ تعرضی نکند.

ایالات متحده در سال های ۱۹۸۰ ارتش عراق را به طور همه جانبه ای مسلح کرد. در سال ۱۹۸۳ دونالد رامسفلد موافقت نامه همکاری نظامی با صدام حسین را امضاء کرد. برای جلوگیری از شکست عراق در جنگ علیه ایران، آمریکا سلاح شیمیایی و بیولوژیکی در اختیارش گذارد و در برابر استفاده از این سلاح ها از طرف صدام علیه نیروهای نظامی ایران و کردهای عراقی کاملاً چشمان خود

را بست (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۸۷).

حدود ۷۷۱ مجوز برای اقلامی که کاربرد دوگانه نظامی و غیر نظامی داشتند صادر شد، اقلام صادر شده. البته آمار صادرات چنین اقلامی تا پیش از سال ۱۹۸۵ میلادی [۱۳۶۴ شمسی] به دلایل نا مشخص موجود نیست در این میان تنها ۳۹ درخواست مجوز رد شده است (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶). گام اول در تجهیز ارتش عراق از سوی آمریکا فروش انواع هلی کوپتر بود. به دنبال نخستین معامله فروش هلی کوپتر هیوز به عراق معاملات دیگری از این قماش بین دو کشور آمریکا و عراق صورت گرفت. در واقع معامله هلیکوپتر راه‌هایی را که از سال ۱۹۶۷ بین دو کشور بسته شده بودند به روی عراق گشود.





تلاش آمریکا برای تجهیز زرادخانه عراق بر علیه ایران



واگذاری بمب های خوشه ای به صدام

هووارد تیچر در گزارشی که در سال ۱۹۹۵ به عنوان شاهد برای قاضی پرونده محاکمه فروشندگان سلاح به عراق تهیه کرده چنین می نویسد: هووارد تیچر در گزارشی که در سال ۱۹۹۵ به عنوان شاهد برای قاضی پرونده محاکمه فروشندگان سلاح به عراق تهیه کرده چنین



می نویسد: «ایالات متحده آمریکا، به طور فعال و همه جانبه ای در جنگ عراق علیه ایران، به کشور عراق کمک می کرد. این کمک ها، شامل کمک های مالی، اطلاعات نظامی، مشارکت مشاوران نظامی آمریکا همراه با تحویل سلاح های مختلف به وسیله کشورهای ثالث بود، تا آمریکا مطمئن باشد که عراق به میزان کافی



تجهیزات نظامی در اختیار دارد تا در جنگ شکست نخورد. او می افزاید که رئیس سازمان سیای آمریکا در آن زمان ویلیام کیسی، یک شرکت شیمیایی را به عنوان پوشش ظاهری حقوقی به کار گرفته بود که توسط آن شرکت، بمب های خوشه ای ساخت آمریکا را در جنگ عراق علیه ایران، به رژیم می فروخت» (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۸۹، ۵۰۰). به گزارش روزنامه واشنگتن پست، «تاریخ همکاری آمریکا با صدام حسین در سال های پیش از حمله ۱۹۹۰ به کویت که شامل ارائه اطلاعات امنیتی گسترده، تامین بمب های خوشه ای از طریق یک شرکت شیمیایی و تسهیل دستیابی عراق به مواد لازم برای ساخت سلاح های شیمیایی و میکروبی است نمونه ای جالب از جنبه پنهان سیاست خارجی آمریکاست. همین کافی بود تا صدام حسین به شریک استراتژیک آمریکا بدل شود و دیپلمات های آمریکایی در بغداد همواره از نیروهای عراقی در مقابل ایران



از نیروی خیری که در برابر شر
ایستاده یاد کنند» (روزنامه واشنگتن
پست، نقش کلیدی امریکا در تقویت
عراق، مایکل دابز، ۳۰ دسامبر ۲۰۰۳)
همزمان با ملاقات بوش
با مبارک، شاهزاده بندر بن

سلطان، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، اعترافی
غیر معمول کرد. وی به وزارت خارجه اذعان داشت که
عربستان صدها بمب دوهزار پوندی MK-۸۴ ساخت آمریکا
را در اختیار عراق قرار داده است. (فریدمن ۱۳۸۳: ۶۴)

گزارش هایی درباره ارسال برخی تجهیزات جنگی
آمریکایی به عراق وجود دارد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی
[دهه ۷۰ شمسی] اداره حسابداری کل آمریکا در تماس با وزارت
خارجه اطلاع داد که طبق تحقیقات انجام شده، در سال
های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ [سالهای ۶۰ تا ۶۵] دست کم چهار کشور





- که اسامی آنها در این سند نیامده- بدون اخذ مجوز از آمریکا و بدون طی مراحل قانونی اقدام به فروش برخی تجهیزات و تسلیحات آمریکایی به عراق کرده اند؛ مواردی نظیر قطعات یدکی توپ های هویتزر، چاشنی های انفجاری، موشک های تاو و تجهیزات نصب سلاح در بالگردهای آمریکایی. وزارت خارجه این ادعاهای اداره حسابداری کل آمریکا را به بهانه نداشتن سند معتبر نادیده گرفت، بدون

اینکه توضیح بیشتری بدهد (ویلمسه، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۳).



با گذشت زمان دخالت در جنگ و کمک های نظامی آمریکا از شکلی پنهانی و غیر مستقیم

خارج و شکلی علنی و مستقیم به خود می گیرد؛ فروش ۶۰ هلی کوپتر از نوع هاگ MD ۵۰۰ و ۱۰ فروند از نوع بل در ۱۹۸۵، نمونه بارزی در تغییر استراتژی آمریکا در



جنگ عراق علیه ایران بوده است. به موجب دستورالعمل شورای ملی آمریکا در ژوئیه ۱۹۸۶ «شرکت های دولتی می توانند با درخواست های خرید عراق موافقت کنند» .

متعاقب این دستورالعمل در دوره ریاست ریگان و جربوش در فاصله زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ تعداد ۷۷۱ مجوز خرید برای عراق صادر گردید، که اغلب این مجوزهای خرید برای تقویت قوای نظامی عراق بکار گرفته شد.

طرح قطعات روسی برای ارتش بعثی

چون بیشتر سلاح های عراقی ساخت شوروی بودند، استفاده از قطعات یدکی و مهمات آمریکایی برای این سلاح ها به هیچ وجه ممکن نبود. بنابراین، برای حل



این مشکل و ادامه کمک به عراق، کاخ سفید با کمک سازمان سیا طرحی به عنوان قطعات روسی را ترتیب داد. به طور خلاصه، مفهوم طرح مزبور این بود که سازمان سیا یا حتی کاخ سفید از کشور ثالثی درخواست کنند تا سلاح های (روسی) مورد نیاز عراق را تامین کند. برای نمونه رژیم صهیونیستی انبار بزرگی از تجهیزات و مهمات ساخت شوروی داشت که آنها را در جنگ با دشمنانش به دست آورده بود. بنا به درخواست امریکا، قرار شد رژیم صهیونیستی این سلاح ها را از طریق کنترهای نیکاراگوئه یا مجاهدان افغان به عراق بفرستد. اما در مورد با آنچه به رژیم صهیونیستی مربوط می شد باید یک ظاهرسازی انجام می شد؛ زیرا عراقی ها با رویکرد ضدصهیونیستی {ظاهراً} شدیدی که داشتند، پیش تر پیشنهاد کمک این رژیم را رد کرده بودند و دلیلی وجود نداشت که اکنون اوضاع به گونه دیگری شده باشد.





حُسن طرح قطعات روسی در این واقعیت نهفته بود که برای صرف درخواست از یک کشور ثالث برای تامین قطعات روسی مورد نیاز عراق نیازی به عملیات مخفی، حکم رئیس جمهور یا گزارش به کنگره نبود.

آمریکا واسطه موشک های ۱۲۲ میلی متری رومانیایی

«در سال ۱۹۸۶ رابرت جانسون [از مأموران سیا] زمان زیادی را صرف عملیاتی نمود که هدف آن انتقال مخفیانه تسلیحات به عراق بود ... در اوایل نوامبر رابط های جانسون در سرویس های اطلاعاتی خبر دادند که کاخ سفید از عملکرد ضعیف صدام در جنگ با ایران نگران می باشد و معتقد است که باید تجهیزات نظامی بیشتری به بغداد ارسال شود. جانسون این عملیات را عملیات تکنیکی مینامید؛ با این حال وی باید موشک های زمین به زمین ۱۲۲ میلیمتری ساخت شوروی را به بغداد می برد و این





مأموریت عجیبی برای یک آمریکایی محسوب می شد» وی بعدها توضیح داد «از آنجا که سیستم نظامی عراق مبتنی بر تسلیحات ساخت شوروی بود لذا واردات کل سیستم های جدید از بلوک شرق با صرفه تر از خرید این تجهیزات از آمریکا بود، چرا که آنان با مشکلات مالی متعددی روبرو بودند» (فرید من، ۱۳۸۳: ۶۸)

یک دلال اسحله در رومانی این موشک ها را حاضر کرد و جانشون به همراه انها عازم بغداد شد.





کمک های گسترده آمریکا برای تأمین غذای عراق در آستانه ورشکستگی

فروش هلی کوپترها به عراق گام اول حمایت نظامی از عراق بود. گام بس مهمتر را وزارت امور خارجه آمریکا برداشت، این حمایت شامل میلیون ها دلار اعتبار، وام و ضمانت بود. وزارت امور خارجه آمریکا برای کم کبه عراق و سرپا نگه داشتن آن در برابر حملات کوبنده ایران، به وزارت کشاورزی روی آورد. این وزارت طرحی تهیه کرده بود که با صدور غله به کشورهای جهان سوم مشکل صادر کنندگان غله آمریکا را نیز حل کند. با یک تیر دو نشان می زد؛ چنین وانمود می شد که دولت ریگان حمایت از عراق را افزایش داده، در حالی که همزمان یکی از پرقدرت ترین گروه های فشار آمریکا (کشاورزان و مزرعه داران) را راضی می نمود. آمریکا بهترین زمان را انتخاب کرده بود، عراق در آستانه ورشکستگی قرار داشت (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۵۸-۲۵۹)



آمریکا بانی فشار حداکثری به ایران





وضع تحریم های بیشتر برای محدود کردن ایران

در تعاملات ایران و ایالات متحده آمریکا، شاهد نمودهایی از تحریم و محدودیت های تجاری بودیم. در سال ۱۹۸۷ به دنبال اتهام «حمایت از تروریسم» آمریکا علیه ایران، رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا تحریم هایی را علیه ایران وضع نمود و این روند طی ساله ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدت و تداوم یافته است.

۱. تحریم های رژیم ایالات متحده آمریکا علیه ایران

ممنوعیت واردات نفت از ایران توسط شرکت های امریکایی.
ممنوعیت ارسال قطعات یدکی و ابزارهای نظامی به جمهوری اسلامی ایران.
مسدود شدن تمام دارایی های ایران در بانک های ایالات متحده (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۸۲).





۲. تحریم های آمریکا علیه ایران در حمایت از صدام
موج دوم تحریم ها در شرایطی آغاز شد که جنگ
ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شده و ایران توانسته بود
فشارهای اولیه عراق را خنثی کند، از سوی دیگر جمهوری
اسلامی ایران توانست با انجام عملیات بیت المقدس در
سال ۱۳۶۲، تمامی حوزه های جغرافیایی و سرزمینی خود را
آزاد کند. در این مرحله، جمهوری اسلامی ایران از اعتماد به
نفس بیشتری برخوردار گردید و در سدد برآمد تا متجاوز
را تعقیب و مجازات نماید. انجام چنین اقدامی، بیانگر
ذهنیت ایران نسبت به نهادها و سازمانهای بین المللی بود.



این امر با واکنش آمریکا روبرو گشت. مقامات ایالات متحده ادامه جنگ توسط ایران و استراتژی عملیاتی جدید جمهوری اسلامی ایران را مورد نکوهش قرار دادند.

پس از انفجار مقر تفنگداران آمریکایی در اکتبر ۱۹۸۳ تحریم های بیشتری علیه ایران از سوی آمریکا وضع شد: اعمال تحریم در مورد ورود هر گونه مواد شیمیایی یا کارخانه جاتی که می توانست زمینه را برای تولید سلاح شیمیایی فراهم آورد .

محدودیت های در مورد ورود ابزارهای صنعتی که دارای کاربرد دوگانه می باشند ایجاد شد. برخی از محدودیت های پولی، بانکی و ابزاری که در سال ۱۹۷۹ اعمال گردیده بود تا پایان جنگ در سال ۱۹۸۸ و بعد از آن نیز تداوم یافت.

در دیدار دسامبر ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲ ش) رامسفلد با صدام، بار دیگر موضوع ارسال سلاح به ایران مطرح شد.





اما رامسفلد در جواب گفت: «ما (آمریکایی ها) در قطع صادرات سلاح به ایران موفق بوده ایم و همچنان به این کار ادامه خواهیم داد.» او همچنین قول داد که آمریکا در این باره سخت گیری بیشتری به خرج داده، با همکاری عراق فهرستی از کشورهای درگیر در این موضوع تهیه خواهیم کرد. رامسفلد خوب به قولش عمل کرد.

آمریکا در بست در خدمت صدام



ژنرال وفیق السامرای می گوید:
من فکر نمی کنم که آمریکایی ها، آن قدر که به ما کمک کرده اند، به هیچ کشور دیگری حتی به اسرائیل کمک کرده باشند. البته این بدان معنا نیست که سرویسهای اطلاعاتی ما بیکار بوده اند. ما به صورت بسیار شاخصی فعال بودیم و از سال ۱۹۸۱ در بسیاری از نبردهای



اصلی پیشرفت قابل توجهی را از خود نشان دادیم. منابع ما برای پیگیری اطلاعات کافی بود، ولی تصاویر ماهواره ای را نمی توانستیم نادیده بگیریم. (السامرای ۱۳۹۰: ۱۵۶)

آمریکا و بکارگیری استراتژی جنگ کم شدت علیه ایران

در روند چالش های
متقابل ایران و ایالات
متحده، آمریکایی ها از



دکتر ابراهیم منتقی

الگوهای گوناگونی برای محدود کردن اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفتند این امر بیانگر استراتژی جنگ کم شدت علیه ایران است. این استراتژی از نمادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، عملیات پنهان، جنگ تبلیغاتی و حقوقی برخوردار است هر یک از این



مجموعه ها بر اجرای رویکردهای خاصی تأکید دارند، بنا براین در میان نخبگان آمریکایی جلوه هایی از اختلاف نظر در ارتباط با الگوهای رفتاری آن کشور در برخورد با جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده است. هر گروه بر استراتژی و رویکرد خاصی تأکید داشته و آن را مؤثر ترین راه برای تأمین حداکثر منافع ملی آمریکا تلقی می کند (متقی، ابراهیم، تأثیر تحریم های اقتصادی آمریکا برای امنیت ملی ج. ۱۰۱، فصلنامه علوم سیاسی شماره ۹۰، ۱۳۸۲)

تحریم استانچ؛ ممنوعیت فروش سلاح به ایران

وزیر خارجه ی آمریکا نماینده ویژه ای تعیین کرد تا بر اجرای عملیات تحریم تسلیحاتی ایران موسوم به عملیات استانچ (Operation staunch) نظارت کند. در اصل آمریکا در این طرح از همه متحدانش از جمله انگلستان، ایتالیا، آلمان، ترکیه، کره جنوبی و رژیم صهیونیستی، می خواست از





فروش سلاح به ایران خودداری کنند. اجرای عملیات استانچ تاثیر مخربی بر ایران گذاشت چون این کشور را از دست یابی به تجهیزات ساخت آمریکا محروم کرد و این تجهیزات همان چیزی بود که متحدان آمریکا در اختیار داشتند.

برخی حتی معتقدند که اگر عملیات استانچ شروع نمی شد یا با موفقیت اندکی داشت و ایران احتمالا می توانست برنده جنگ باشد. اما به رغم اعلام رسمی این سیاست آمریکا و اعمال فشار بر دیگر کشور ها برای اجرای آن - که بسیاری از آنها ناخوشندی خود را از این موضوع ابراز می کردند - آمریکایی ها خودشان تنها کسانی بودند که این سیاست را نقض کردند. ماجرای ایران - کنترا (Iran-contra) جهان را تکان داد.»
(ویلسمه ۱۳۹۲ : ۱۲۳-۱۲۴).





مرحله ششم:

سازمان های اطلاعاتی آمریکا در خدمت
مستقیم صدام





دستورالعمل های راهبردی آمریکا

انجام هر اقدامی برای پیروزی عراق در جنگ علیه ایران تایچر که از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۲ به عنوان مسئول امور خاورمیانه و امور سیاسی - نظامی شورای امنیت آمریکا کار می کرد به دادگاه گفته است که به طور مرتب با ویلیام کیسی رئیس وقت سازمان سیا و جانشین اش رابرت گیتس تماس داشته است. وی همچنین اظهار کرده است که در نوشتن یک دستورالعمل تصمیم امنیت ملی برای ریگان [رئیس جمهور وقت آمریکا]



ویلیام کیسی



مک فارلین نورث کیو تایچر



در سال ۱۹۸۲ م {۱۳۶۱ش} همکاری داشته است؛ یک دستورالعمل کاملاً محرمانه که هنوز هم دارای طبقه بندی می باشد و در آن تصریح گردیده که «آمریکا باید هر اقدام قانونی و لازمی را انجام دهد تا از شکست عراق در جنگ با ایران جلوگیری کند».

دو هفته پس از آغاز جنگ، آمریکا ۴ فروند هواپیمای آواکس را به عربستان سعودی تحویل داد تا ریاض اطلاعات جامع کسب شده را به بغداد ارسال کند. تا سال ۱۹۸۴ میلادی به غیر از اطلاعاتی که آواکس ها جمع آوری کرده بودند و نیز اطلاعات ماهواره ای که واشنگتن برای بغداد می فرستاد، ظاهراً هیچ گونه روابط رسمی دوجانبه ای میان عراق و آمریکا وجود نداشت.

این دلایل نشان می دهند که رفتار آمریکا پس از سپری شدن زمان کوتاهی از جنگ یا حتی پیش از آغاز آن، بیطرفانه نبوده است. حساسیت موضوع هنگامی افزایش



می‌باید که مطابق با
منشور سازمان ملل،
استقرار آواکس‌ها
طبق حقوق بین
المللی اقدام جنگی
محسوب می‌شود و
طبق منشور، آمریکا



شریک جرم عراق در تجاوزات‌ش خواهد بود.
ساندی تایمز نیز در ۱۶ مارس ۱۹۸۵ پس از برقراری
روابط رسمی عراق و آمریکا نوشت: رابطه‌ی مستقیم میان
سازمان سیا و سفارت آمریکا در بغداد برقرار شد و دولت
عراق این امکان را یافت تا از وضعیت هواپیماهای ایرانی
پس از برخوردن به سرعت آگاه شود. همچنین، آمریکایی‌ها
ادعا کردند که هر ۱۲ ساعت یک بار از وضعیت
نیروی زمینی ایران آگاهی می‌یابند و این موضوع برای



عراق امتیاز مهمی محسوب می شد (ویلمسه ۱۳۹۲: ۹۹).
به گفته ریچار مورفی، دولت ریگان، با تلاش چندین
سازمان و مشارکت وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و سیا، به
حمایت از عراق برخاست. یکی از عناصر مهم این حمایت،
موافقت ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا با این مساله
بود که آمریکا اطلاعات بسیار حساس و ارزنده مربوط به
فعالیت نیروهای ایرانی را که به یاری
هوآپیماهای آواکس مستقر در عربستان
سعودی دریافت می کرد، در اختیار
عراق بگذارد (تیمر من ۱۳۷۶: ۲۶۷).



تبادل اطلاعات میدانی

در ماه ژوئن ۱۹۸۷ (تیر ماه ۱۳۶۶)
ریگان دستور داد ناوهای جنگی آمریکا وارد خلیج فارس
شوند. پس از آن، دولت آمریکا به طور پنهانی گروهی





از افسران بلند پایه شامل یک دریاسالار را به بغداد فرستاد تا اطلاعات استراتژیک درباره تردد کشتی‌ها در خلیج فارس را در اختیار عراق قرار دهند تا عراق به راحتی بتواند به کشتی‌های حامل نفت ایران حمله کند. یکی از افسران بازنشسته ارتش آمریکا، ماجرا را چنین تعریف می‌کند: «جریان از این قرار بود که وقتی عراقی‌ها هواپیماهای خود را بر فراز خلیج فارس به پرواز در می‌آوردند، می‌توانستند با افسران ما در تماس باشند. با افزایش روابط، افسران جزء در این کشتی‌ها، موقعیت جغرافیایی و جهت و سرعت نفتکش‌هایی را که با ایران معامله می‌کردند، به اطلاع عراقی‌ها می‌رساندند و به این وسیله به آنها در انتخاب اهداف برای حمله کمک می‌کردند.» سرلشگر و فیک السامرای در خصوص نقش اطلاعاتی آمریکا در جنگ نیز می‌گوید: «سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا از اواخر مارس ۱۹۸۲ در زمینه کمک‌های اطلاعاتی



از همه جلوتر بودند. این سرویس هاس اطلاعاتی مجموعه اطلاعاتی را در اختیار ما گذاشتند که با وسایل فنی و یا انسان ها تهیه شده بود، مشاهده کردم... ماهواره ها کلیه تحرکات ایرانی ها در جبهه ها را برای ما زیر ذره بین گرفته بودند. از حرکات تانک ها، توپ ها و قایق ها در هورها و در سواحل تا جا به جا شدن قرارگاه ها و ذخیره کردن تجهیزات پل سازی. ماهواره ها نتایج حملات هوایی و موشکی را نیز گزارش می دادند (السامرای ۱۳۹۰: ۱۵۴).

تعدادی از پرسنل نظامی آمریکایی بودند که دولت ریگان در اوایل دهه ۸۰ میلادی از آنها برای تفسیر اطلاعات، در بغداد استفاده می کرد. این افسران معروف به «افسران رابط» یا «ناظر» بودند. در ابتدای امر آنان در گروه های ۴ یا ۵ نفری از «سازمان اطلاعات دفاعی» (DIA) در واشنگتن و از «مرکز فرماندهی عملیاتا ویژه مشترک» در فورد بریدج در کارولینای شمالی به بغداد اعزام شدند و به تدریج





بر تعدادشان افزوده شد (فریدمن، ۱۳۸۳: ۷۰).

با افزایش ارائه اطلاعات سری، ترتیبی داده شد تا یک رابط عراقی برای دریافت مطالب، راه بغداد به امان را طی کند. در نتیجه حمایت پنهانی کاخ سفید از طرح ارائه اطلاعات به بغداد، افسران اطلاعاتی ایالات متحده برای کمک به تفسیر عکس‌ها به بغداد می‌رفتند. با فعال تر شدن نقش کاخ سفید در کمک به صدام برای هدایت نیروها، مجتمع پیشرفته و پر هزینه‌ای در بغداد ساخته شد تا اطلاعات مستقیماً از ماهواره دریافت شوند و پردازش بهتری از اطلاعات صورت پذیرد. تا اوایل سال ۱۳۸۳، صدام حسین آنقدر اشارات و علائم مثبت از واشنگتن دریافت کرده بود که تصور می‌کرد چشم انداز بهبود روابط، واقعی است. (فریدمن، ۱۳۸۳: ۵۶)





باز گذاشتن دست صدام برای ارتکاب جنایات جنگی





پشتیبانی و ویروسی و میکروبی

واشنگتن پست می افزاید: «مرور هزاران سند دولت آمریکا که از طبقه بندی خارج شده و همچنین مصاحبه با سیاست گزاران سابق نشان می دهد که اطلاعات و حمایت تدارکاتی آمریکا، نقش کلیدی در تقویت عراق در برابر حملات نیروهای انتحاری ایران داشت. دولت های رونالد ریگان و جورج بوش پدر، اجازه فروش اقلام گوناگون کالاهایی که دارای کاربرد دو گانه نظامی و غیرنظامی بود از جمله مواد شیمیایی سمی و ویروس های بیولوژیکی مرگبار مانند سیاه زخم و طاعون به عراق را صادر کرد»





حمایت آمریکا از استفاده عراق از بمب های شیمیایی و کشتار جمعی

در اواسط ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) صدام تصمیم گرفت از سلاحهای شیمیایی علیه ایرانیان استفاده کند. ریچارد مورفی و دستیارش جیمز بلیک نیز تا حدی با در نظر گرفتن امکان شکست صدام در کابوس او شریک بودند و همین امر ممکن است آنان را به تشویق آلمان غربی در مورد فروش مقادیری گاز سمی و مواد مربوطه آن به عراق وادار ساخته باشد.

آنان از طریق سیا و مجاری دیپلماتیک از فروش گازسمی به عراق آگاهی داشتند و اعتقادشان بر این بود: تا زمانی که عراق از سلاح شیمیایی در دفاع از خاک خود و در مقیاس محدود استفاده می کند توسلش به این سلاح «قابل درک» می باشد. (تیمرن، ۱۳۷۶: ۲۱۷).

آمریکایی ها نیز به مانند هلندی ها و آلمانی ها نقش





دهشتناکی در زمینه استفاده عراق از سلاح های شیمیایی
علیه سربازان ایرانی و کردهای عراقی هم مرز با ایران
داشته اند. (ویلمسه، ۱۳۹۲: ۷۸)





حمایت همه جانبه آمریکا از عراق در دوره اوج بکارگیری سلاح های شیمیایی

«تمایل آمریکا به عراق در دستورالعمل ۱۱ امنیت ملی به تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳، یکی از مهمترین تصمیمات سیاست خارجی ریگان که هنوز محرمانه است، تبلور یافت. به گفته مقامات سابق دولت آمریکا، این دستورالعمل تصریح میکرد که آمریکا تمام اقدامات لازم و قانونی، برای جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران را اتخاذ کرد» به نوشته واشنگتن پست، این دستور زمانی صادر شد که گزارش های متعدد دایر بر استفاده نیروهای عراق از سلاح های شیمیایی در برابر ایرانیان وجود داشت. بنابراین گزارش، عراق تا پایان جنگ با ایران به استفاده از سلاح های شیمیایی ادامه داد. (روزنامه واشنگتن پست، نقیصه کلیدی آمریکا در تقویت عراق، مایکل دایز، ۳۰ دسامبر ۲۰۰۳) گزارش کمیته بانک داری سنا که در سال ۱۹۹۴ م (۱۳۷۳ ش)



منتشر شد به این نتیجه گیری رسیده که آمریکا به طور مخفیانه و پیچیده ای اجازه صادرات ترکیبات سلاح های میکروبی و شیمیایی را به عراق داده است. سال ها بعد کهنه سربازان آمریکا که در عملیات توفان صحرا شرکت داشتند، از بیماری خاصی شکایت می کردند که بر اساس تحقیقات انجام شده، نشانگان جنگ خلیج (Gulf War Syndrome) نامیده می شد و به سلاح های شیمیایی و میکروبی مربوط بود.

گفتنی است یکی از یافته های این تحقیقات آن بود که آمریکا دست کم در طول دو سال آخر دهه ۱۹۸۰ م (دهه ۱۳۶۰ ش) مجوز صادرات برخی اقلام با کاربرد دو گانه را به عراق صادر کرد که به توسعه ی طرح های شیمیایی، میکروبی و سامانه های موشکی عراق کمک نمود؛ طرح هایی نظیر تولید ترکیبات جنگ افزار های شیمیایی، ساخت تاسیسات تولید

عوامل شیمیایی و تهیه ی نقشه های فنی مربوط (در قالب طرح های تولید مواد حشره کش)، ساخت تجهیزات و پرکردن سرچنگی سلاح های شیمیایی، تولید مواد مربوط به جنگ میکروبی، تولید تجهیزات ساخت موشک و تجهیزات هدایت سامانه موشکی. (ویلسمه ۱۳۹۲ : ۱۱۰).

حمایت های آمریکا، بعضی ها را در استفاده و اعلام کاربرد سلاح شیمیایی جسور و گستاخ کرد. یکی از سخن گوینان نظامی عراق نیز که در ۲۲ فوریه ۱۹۸۴ میلادی وارد واشنگتن شد، یک نقل قول معروف با این مضمون داد که «متجاوزان باید بدانند که برای هر حشره ی مضر، حشره کشی وجود دارد که می تواند آن حشره را به هر تعداد که باشد از بین ببرد و عراق نیز این حشره کش ها را در اختیار دارد.» سرانجام در مارس ۱۹۸۴ و پس





از انتقاد گسترده رسانه ها به استفاده ی عراق از سلاح های شیمیایی، وزارت خارجه ی آمریکا نیز بیانیه ای در این زمینه صادر کرد و در آن جدای از محکومیت جزئی عراق در استفاده از سلاح های شیمیایی و محکومیت کلی کاربرد این سلاح ها، بر سازش نا پذیری دولت ایران در جنگ نیز تأکید کرد.

۵+۱ در تلاش برای مسلح کردن صدام به بمب اتمی

بهانه آمریکا برای حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ چه بود؟ بهانه این بود: صدام بمب اتمی دارد و خطری برای جهان است. این اتهام از کجا مطرح شد؟

هر یک از کشورهای غربی در سال های پایان جنگ که احتمال پیروزی ایران زیاد شده بود بخش هایی از تجهیزات لازم برای مسلح شدن به بمب اتمی را به صدام داده بودند .





بیشتر از همه فرانسه و انگلیس در این زمینه نقش داشتند. همین کسانی که امروز از خطر مسلح شدن ایران به بمب اتم دم می زنند خودشان تا آستانه مسلح کردن صدام به بمب اتم پیش رفتند تا در صورت پیروزی ایران سرنوشت جنگ را با بمب اتم عوض کنند.

یکی از سندهای تلاش ۵+۱ برای مسلح کردن صدام به بمب اتم :

کمک های خارجی به عراق به جایی رسید که فرستاده حکومت فرانسه در زمان ریاست جمهوری





والری ژیسکاردستن به عراق آمد و با وزیر دفاع وقت به عراق آمد و با اطلاع داد که: «فرانسه به صورت جدی زمینه های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می نماید. می توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود.»

(وفیق السامرای، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

وزیر دفاع وقت عراق عدنان خیر الله ملاقات نمود و به او اطلاع داد که: «فرانسه به صورت جدی زمینه های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می نماید. می توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود.»

(وفیق السامرای، ۱۳۹۰: ۱۵۳)





عدم عکس العمل هواپیمای عراقی به ناوچه آمریکایی از طرف آمریکا

در ۱۷ مه ۱۹۸۷ با حمله یک فروند هواپیمای عراقی با ناوچه استارک ۳۷ خدمه آن کشته شدند و این حمله ضربه شدیدی به افراد حامی عراق نظیر واینبرگر وارد ساخت. عراق بلافاصله اظهار ندامت کرده و سریعاً از دولت آمریکا پوزش خواست و اعلام کرد که غرامت کشته شدگان را به بستگان آن ها پرداخت می کند. این امر نشانگر وضعیت خطرناکی بود که بر خلیج فارس سایه افکنده بود و در واقع پس از حادثه بود که رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا رسماً اعلام کرد که ایالات متحده با نصب پرچم خود بر روی نفتکش های کویتی از آنان حمایت





خواهد کرد و بر همین اساس نیروی دریایی ایالات متحده موظف به اسکورت این نفتکش ها خواهد بود .

(فریدمن ۷۲-۱۳۸۳: ۷۳)

آمریکا بی درنگ این خطای عراق را بخشید و ریگان با استفاده از این موقعیت، تجاوز ایران را محکوم و اعلام کرد «ما هرگز عراق را دشمن نمی پنداریم، شرور واقعی ایران است.» (ویلسمه ۱۳۹۲ : ۱۳۶).

بمباران هوایی شهرهای ایران توسط جنگنده های عراقی

در شش ماه آغازین جنگ (۱۳۵۹) ۴۱۳ بار به شهرهای ایران حمله شد. این تعداد حملات در سال های بعدی به شرح زیر است:

۵۷۱ بار ۱۳۶۰، ۴۷۶ بار ۱۳۶۱، ۲۶۰ بار ۱۳۶۲، ۲۴۶ بار ۱۳۶۳، ۷۹۰ بار ۱۳۶۴، ۹۶۲ بار ۱۳۶۵، ۷۴۵ بار ۱۳۶۶ و پنج ماه





پایانی جنگ (۱۳۶۷) ۳۰۶ بار. شهرهای ایران در کل ۴۷۶۹ بار توسط رژیم بعث عراق مورد بمباران، موشکباران یا گلوله باران قرار گرفتند.

بیشترین تعداد حملات به شهر اهواز با ۳۱۶ حمله و سپس دزفول با ۲۴۱ توسط رژیم بعث انجام شد. اعمال فشار آمریکا برای سکوت مجامع بین المللی در برابر تجاوزات هوایی عراق به شهرهای ایران ۶۳ درصد حملات هوایی توسط هواپیما، ۵ درصد توسط موشک، ۳۲ درصد توسط توپخانه انجام شد.

بر اساس حقوق بین الملل، اقدامات غیرانسانی رژیم بعثی عراق در جنگ باید بی درنگ در سال ۱۳۵۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل پیگیری و صدام به عنوان





نقض کننده صلح بین الملل تنبیه می شد، اما با اعمال فشار آمریکا حتی پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ و اعلام خاویر پرز د کوئیبار، دبیر کل وقت سازمان ملل مبنی بر متجاوز بودن دولت عراق، پرونده این تجاوز عملاً تا سقوط صدام و دستگیری و محاکمه و اعدام وی مسکوت ماند.

صدام در مدت ۲۴ سال حکومت از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی، صدها هزار عراقی را کشت؛ خانه های زیادی را بر سر صاحبان آن بدون محاکمه خراب کرد؛ صدها شهرک و روستای عراق را با خاک یکسان و از روی نقشه محو کرد؛ شکنجه و خفقان کم نظیر در طول تاریخ بشر را به مردم عراق تحمیل کرد؛ در تمام این مدت تحت حمایت کامل ایالات متحده آمریکا بود. گورستان های جمعی فراوانی ایجاد کرد؛ صدام با خیال راحت از اینکه هر جنایتی بکند هیچگاه بخاطر نقض حقوق بشر مورد سوال واقع نخواهد





شد، با حمایت آمریکا تا جایی که می توانست آدم کشت،
دست او برای هر جنایتی باز گذاشته شده بود؛ به یک
شرط؛

ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران



اجساد بیرون کشیده شده از گور دسته جمعی
از جنایات صدام در کردستان عراق

گور دسته جمعی از جنایات صدام؛ حاوی اجساد بسیاری از
اسرای ایرانی و عراقی های معترض در بغداد





گور دسته جمعی از جنایات صدام؛ کردهای شهر فلوجه

آمریکا هدایت مستقیم جنگ علیه ایران را
به دست گرفت.



کاخ سفید یا قرارگاه فرماندهی راهبردی ارتش بعث؟
اجلاس کاخ سفید در ژوئیه ۱۹۸۶، راه های دیگری برای کمک به صدام را بررسی کرد. اوایل آن سال، ایران حمله نظامی عمده ای علیه عراق آغاز کرده بود و به نظر می رسید جنگ به بن بست خواهد رسید. سیا نگران بود که صدام نتواند از اطلاعات محرمانه ای که دریافت می کند، به طور مؤثر استفاده کند ...

مهمترین تصمیمی که در جلسه کاخ سفید اتخاذ شد این بود که از توانایی های جرج بوش که قرار بود به کشورهای مختلف خاورمیانه از جمله اردن و مصر سفر کند، استفاده شود. قرار بود بوش از طریق واسطه های که از سران دولت ها بودند، توصیه های استراتژیکی جنگی را در اختیار صدام قرار دهد.





مورفی نوشت: ما معاون رئیس جمهور را ترغیب کردیم تا به ملک حسین و حسنی مبارک پیشنهاد کند که آنها تلاش های خود را برای انتقال نظرات ما به صدام در مورد استفاده عراق از نیروهای هوایی اش ادامه دهند. این اقدام دیگر تنها یک گرایش نبود، بلکه آمریکا عراق را در آغوش گرفت.

بوش در سفر خود به خاورمیانه در روز دوشنبه ۴ اوت ۱۹۸۶ در دیدار دوساعته با حسنی مبارک دستور داشت تا در مورد بهترین شیوه بمباران اهداف ایرانیان توسط صدام حسین با مبارک صحبت کند.

(فریدمن، ۱۳۸۳: ۶۳)

پس از آنکه بوش پیام سری خود درباره نیاز صدام به استفاده از نیروی هوایی را به مبارک تسلیم کرد، مبارک آنگونه که انتظار می رفت،



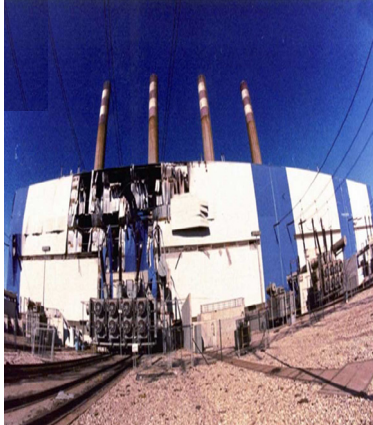


عمل کرد. نیروی هوایی عراق ناگهان به حملات خود علیه ایران شدت بخشید و در ماه سپتامبر ۱۹۸۶ بر تعداد بمباران ها افزود و خساراتی جدی به میادین نفتی و تاسیسات کشتیرانی ایران در خلیج فارس وارد ساخت و صدام در مدت کوتاهی به موفقیت دست یافت، اما تشدید حملات هوایی با پاسخ ایران روبرو شد (فریدمن، ۱۳۸۳: ۶۴). در پی بمباران نیروگاه نکا در آذر ماه ۱۳۶۵، روزنامه ساندی تلگرام به نقل از دیپلمات های مستقر در بغداد نوشت:

«کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق، این کشور را قادر ساخت تا به تأسیسات اقتصادی ایران و نیروگاه نکا ضربه وارد کند». روزنامه کیهان ۱۲ بهمن ۱۳۹۳

ویلیام کیسی در جریان رسوایی ایران - کنترا و در حالی که در هفتمین سال جنگ ایران با یک یورش گسترده به عمق خاک عراق نفوذ کرد مسئول آرام ساختن عراق شد.





وی برای اطمینان از رضایت
عراقی ها از جریان اطلاعاتی،
در سازمان ملل با طارق عزیز
دیدار کرد و به طور ضمنی از
وی خواست تا دولت عراق را
وادار به حملات بیشتری علیه
مراکز اقتصادی ایران کند

(فریدمن، ۱۳۸۳: ۷۳)

اتاق جنگ مشترک دریایی آمریکایی عراق برای حمله به
نفتکش های ایران در ژوئن ۱۹۸۷، علی رغم هشدارهای
سناتورهای هر دو حزب مبنی بر اینکه امکان دارد آمریکا
وارد یک جنگ مستقیم با ایران شود، ریگان دستور اعزام
ناوگان دریایی ایالات متحده به خلیج فارس را صادر کرد.
در همان حال و دور از چشم همگان، دولت تیمی از افسران
بلند پایه از جمله یک آدمیرال را به بغداد اعزام کرد



تا اطلاعاتی استراتژیک در رابطه با حرکت کشتی ها در خلیج فارس را در اختیار عراقی ها قرار دهد. بر اساس عملیات سیاه رادیوهای کد گذاری شده ای در اختیار خلبانان عراقی قرار داده شد تا امکان ارتباط با افسران مستقر در کشتی های آمریکایی در خلیج فارس را داشته باشند (فرید من ۱۳۸۳: ۷۵). این امر کمک زیادی به عراقی ها در انتخاب اهدافشان می کرد. حمله ارتش رژیم بعث به جزیره نفتی سیری در خلیج فارس با بمباران های مکرر جزیره خارک، ایران پایانه صادراتی نفت خود را به جزیره سیری منتقل کرد، جایی که با مسافتی نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر از پایگاه های هوایی عراق به نظر می رسید از حمله مصون باشد. در ۲۱ مرداد ۶۵، عراق یک حمله غافلگیرانه هوایی به ترمینال نفتی ایران در جزیره سیری انجام داد و حداقل سه نفت کش در اجاره ایران را با بمب های لیزری فرانسوی



هدف قرار داد. جزیره‌ای که تصور می‌شد به واسطه بعد مسافت، از حملات عراق مصون باشد. این حمله هواپیماهای عراقی در چارچوب یک هماهنگی دقیق اطلاعاتی میان سازمان سیا و ارتش عراق انجام گرفت؛ ناظران نظامی امکان این عملیات را بدون سوختگیری هواپیماهای میراژ از تانکرهای سوخت رسان هوایی آمریکا در منطقه غیر ممکن می‌دانند. روزنامه کیهان ۱۲ بهمن ۱۳۹۳

طرح ریزی جنگی آمریکایی‌ها برای عراق؛ حمله به اهداف اقتصادی ایران

حضور نظامی دریایی آمریکا در خلیج فارس به بهانه حمایت از کشتی‌های تجاری کویتی و برافراشتن پرچم آمریکا بر فراز بیش از ۳۵ فروند از آنها و اعزام بیش از ۲۰ هزار نیروی دریایی آمریکایی به منطقه در واقع بزرگترین بسیج دریایی آمریکایی پس از جنگ ویتنام و



مرحله جدیدی در سیاست حمایت از عراق و رویارویی با ایران محسوب می شود. این حجم حضور ایالات متحده در منطقه را نمی توان خارج از چارچوب حمایت گرایانه آن کشور از عراق مورد ارزیابی قرار داد.



ورود مستقیم آمریکا به جنگ با ایران



ورود مستقیم آمریکا به جنگ با ایران

ایالات متحده آمریکا
تنها کشوری است که در
حمایت از صدام برای نجات

صدام از مهلکه مستقیماً علیه ایران وارد جنگ شد.
حضور مستقیم افسران آمریکایی در جبهه با ارتش بعث
در سرتاسر جنگ ایران و عراق، ایالات متحده به کمک
اطلاعاتی به عراق متعهد شده بود، یکی از مقامات اسبق
کاخ سفید، می نویسد: «نیروهای ما در میدان جنگ
به پرسنل نظامی عراق، کمک های تاکتیکی نظامی
می کردند و گاهی نیز خود را دوشادوش سربازان عراقی
در مرز ایران می یافتند و این وضعیت تا سال ۱۹۸۷
ادامه داشت. یکی از افسران ارتش آمریکا که به منطقه
جنگی فرستاده شده بود، نسبت به قدردانی عراقی ها از





حضور وی می نویسد: «در میدان نبرد، علاوه بر آمریکایی ها، پرسنل نظامی کشورهای دیگری همچون انگلیس و فرانسه نیز حضور داشتند. ما بسیار مایل بودیم که از استراژی ها، چگونگی نبرد و نیز لیاقت و کارایی افسران عراقی اطلاع داشته باشیم. آنان به تمام توصیه های ما نیاز داشتند و به ما دستور داده شده بود که هر نوع اطلاعاتی را که آنان لازم داشتند در اختیارشان قراردهیم.» این افسران همانند سایر همکارانشان برای دفاع از خود یک اسلحه کمری حمل می کردند و می کوشیدند تا از درگیری های سنگین در خطوط مقدم جبهه خودداری کنند. اما مشکل اصلی عدم امکان تشخیص محل دقیق جبهه بود. وی بعدها گفت: «برخی از ما آمریکاییان گاهی وارد خاک ایران نیز می شدیم (فریدمن؛ ۱۳۸۳: ۷۱). کاخ سفید اتاق طرح ریزی عملیات ها و تاکتیک های جنگی صدام جنگ نفت کش ها و اسکورت کشتی ها در



حمایت از صدام دخالت آمریکا در جنگ عراق علیه ایران محدود به حمایت مستقیم یا غیر مستقیم از عراق نگردید، بلکه به مرور زمان سیاست آمریکا تبدیل به یک رویارویی مستقیم با ایران شد که اوج آن را می توان در حمله آن کشور به سکوهای نفتی و هواپیماهای مسافربری ایران شاهد بود. در واقع حملات ایالات متحده به سکوهای رشادت و رسالت در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ و علیه سکوهای سلمان و نصر در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ را باید مهمترین مرحله سیاست خصمانه آمریکا در قبال ایران تلقی کرد.

درگیری ها در خلیج فارس دامنه پیدا کرد، در یکی از این درگیری ها هنگامی که ۲ قایق تندروی ایرانی به دو کشتی آمریکایی شلیک کردند، نیروی دریایی آمریکا در یک اقدام تلافی جویانه ی شدید به دو سکوی نفتی ایران حمله کرد و ضمن به آتش کشیدن یکی از این سکو ها، بیش از هزار گلوله نیز به سکوی دیگر شلیک کرد.



آمریکا در توجیه سیاست هایش اعلام کرد «عراق تنها به کشتی های ایرانی حمله می کند، اما ایران کشتی های بی طرف را نیز هدف قرار گیرد.» (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

حمله مستقیم آمریکا به سکوهای نفتی ایران و میلیاردها دلار خسارت به بار آورد. از زمانی که نیروهای غربی وارد حوزه خلیج فارس شدند و جدال با ایران را تشدید کردند، روند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران نیز تسریع گردید. آمریکایی ها نیز اقدامات خود در رویارویی با ایران را به عنوان جنگ اول خلیج فارس

محسوب می کنند؛ زیرا استراتژی عملیاتی آنان، در مقابله پر دامنه با ایران شکل گرفته بود. آنان جدال غیر مستقیمی را با ایران آغاز نمودند. در روند جدال های سال ۱۹۸۸ بیش از دو میلیارد دلار





از تأسیسات نفتی و نظامی ایران، دچار خسارات جدی و جبران ناپذیری از سوی آمریکا شد. ایالات متحده با اعتقاد به اینکه اقدامات آمریکا در شرایط عملیاتی و [شبه جنگی] شکل گرفته است، هیچ گونه خسارتی را به جمهوری اسلامی ایران پرداخت نکرد. (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۸۵)

حمله آمریکا به کشتی ایران ارج

به دنبال فعالیت پنهانی سیا در خلیج فارس حادثه ای رخ داد. روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ یک بالگرد عملیات ویژه که مجهز به تجهیزات دید در شب بود یک فروند کشتی ایرانی به نام ایران ارج را شناسایی کرده و سپس پایین آمد و آن را هدف حملات خود قرار داد. این تیر اندازی باعث سوراخ شدن یک طرف کشتی شده، شیشه هایش شکست و بشکه‌ی نفت آن نابود شد. سه ملوان ایرانی کشته شده و ۲۶ نفر از جمله ۴ نفر مجروح اسیر شدند.... در واشنگتن،



ریگان حمله این بالگرد آمریکایی را تأیید کرد و مدعی شد که عملی مجاز بوده است (فریدمن، ۱۳۸۳: ۷۷)

ریچارد مورفی در وزارت خارجه این بحث را مطرح ساخت که تمام عملیات مربوط به نصب پرچم، صرفاً یک اقدام دفاعی است که بر مبنای اصل حمایت از آزادی کشتیرانی در دریاها و نیز حفاظت از آزادی کشتیرانی در دریاها و نیز حفاظت از جریان نفت اجرا شده است. با این همه، ریچارد مورفی با لحنی تند به ایران - و نه عراق - هشدار داد که هر گونه اقدام خصمانه علیه نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه، می تواند باعث ورود ایالات متحده به جنگ در خلیج فارس شود. وی اظهار داشت که نصب پرچم بر روی کشتی های کویتی بخشی از استراتژی جامع ایالات متحده محسوب می شود. (فریدمن ۱۳۸۳: ۷۴)

شهید نادر مهدوی، با قایق های ماهیگیری مجهز شده به توپ، به ناوهای آمریکایی حمله می کرد،



کشتی بریجتون که با پرچم
آمریکا حرکت می کرد، پس
از برخورد با مین دریایی
ایرانی در آتش سوخت.

حمله آمریکا به ناوچه جوشن ارتش

در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ در پی حمله ناوهای آمریکایی
به سکوهای نفتی سلمان و سیری در نبردی نابرابر با
ناوهای جنگی، هواپیماهای جنگنده و هلی کوپترهای
آمریکایی با ناوچه جوشن ارتش جمهوری اسلامی
ایران درگیر شدند، که پس از شهادت ۱۱ تن از غیور
مردان نیروی دریایی ارتش ناوچه جوشن غرق شد.



حمله آمریکا به ناو سهند ارتش

در همان روز ناو سهند برای پشتیبانی و مبارزه با نیروهای متجاوز آمریکایی از بندر عباس حرکت کرده بود به کشمکش با چند واحد سطحی نیروهای دریایی آمریکا رفت و طی نبردی جانانه با هواپیماهای انترودر و ناوهای جنگی آمریکایی وشهادت ۴۵ نفر از خدمه غیور آن غرق شد.





استیصال دشمن و ورود به کشتار گسترده غیرنظامیان





حمله به هواپیمای مسافری ایران در خلیج فارس

سیاست جانبدارانه
آمریکا از عراق با حمله

به سکوه‌های نفتی ایران خاتمه نمی‌یابد در ادامه این سیاست ایالات متحده با حمله به یک هواپیمای مسافربری ایران در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ بی سابقه‌ترین تراژدی انسانی را در قلمرو هوایی و دریایی خلیج فارس می‌آفریند. این فاجعه منجر به کشته شدن ۲۹۰ مسافر در حالی که ۶۶ نفر از سرنشینان این هواپیما کودک بودند و خدمه هواپیما می‌گردد. این حمله در فضای فوقانی دریای سرزمینی ایران اتفاق افتاد و این در حالی بود که قلمرو مذکور طبق حقوق بین‌الملل تحت حاکمیت دولت ساحلی قرار دارد. حمله به هواپیمای مسافری ایران دردناک‌ترین حادثه در



طول مداخله ی آمریکا در این جنگ است. آمریکایی ها ادعا کردند این هواپیما را با یک جنگنده ی اف ۱۴ اشتباه گرفته اند. ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا ضمن اظهار تأسف از کشته شدن غیر نظامیان، مدعی شد که نیروی دریایی (آمریکا) درست عمل کرده است و از وقوع این حادثه عذرخواهی نکرد. اما چهار سال بعد فاش شد که هواپیما بر خلاف ادعای اولیه آمریکایی ها در حریم هوایی ایران بوده، نه در حریم هوایی بین المللی و ناو آمریکایی به دلیل اجرای این حمله در آب سرزمینی ایران مقصر بوده است.»

به خاطر این جنایت فرمانده ناو از رئیس جمهور وقت آمریکا مدال لیاقت گرفت؛ آمریکا هیچ گاه به خاطر این جنایت عذر خواهی نکرد.



ویل راجرز فرمانده ناو وینسنس در مراسم دریافت مدال لیاقت.



۶۶ نفر از سرنشینان این هواپیما کودک بودند.



کشتار حجاج ایرانی به دستور آمریکا

روز ششم ذی الحجه سال ۱۴۰۷ (مصادف با روز نهم مردادماه ۱۳۶۶ شمسی) یادآور مراسم «برائت از مشرکین» زائران ایرانی خانه خدا و کشتار حجاج مظلوم ایرانی در مکه به دست حکام آل سعود است.

نایف بن عبدالعزیز وزیر کشور وقت آل سعود در بیانیه رسمی، با دروغ پراکنی به حجاج شرکت کننده در برائت از مشرکین اتهام اخلال در مراسم حج زدند و اعلام کردند که حجاج با چوب و سنگ و چاقو به طرف مسجدالحرام هجوم آوردند و ماموران برای جلوگیری از هرج و مرج وارد شدند و نیز دراین گزارش با ادعای عدم تیراندازی به زوار حرم آمده است که حجاج با مأموران امنیتی درگیر شدند و تعدادی از حجاج زیر دست و پا ماندند و له شدند.

ژنرال اولریخ وِگنِر ژنرال ارتش آلمان در بسیاری از کشورهای به خصوص عربستان سعودی مشاور ایجاد



واحدی به نام واحد ضد تروریستی بوده است.

هفته‌نامه «اشپیگل» - چاپ آلمان - ۱۹۸۷/۸/۱۰

[هفته پس از کشتار] مینویسد :

«سامانه‌های مدرن تسلیحاتی، اغلب فقط توسط مشاوران، مربیان و تکنسین‌های کشورهای تحویل‌دهنده قابل استفاده و بهره‌برداری هستند و اجناس صادراتی آلمان هم باید از عربستان سعودی شهرهای مقدس آن محافظت کنند: «اولریخ وگنر» رئیس اسبق «گ.اس.گ.۹» در این مسیر به خدمت گرفته شده بود.»

در این فاجعه که به دستور مقامات آمریکایی انجام شد، فرمانده میدان که از اعضای سازمان جاسوسی آمریکا بود دستور قتل عام را صادر کرد.

اولریخ وگنر جاسوس آلمانی سازمان سیا:

در جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و دستگیری جاسوسان و شکست مفتضحانه آمریکا در کودتای نافجام



طبس، اولریخ و نگر به دلیل مسامحه مسؤولان وقت وزارت فرهنگ و ارشاد به همراه چند نفر از نیروهایش با پوشش خبرنگاران تلویزیون آلمان، با هدف جاسوسی و تهیه اطلاعات مورد نیاز سرویس امنیتی آمریکا «سیا» برای هدایت دقیق عملیات نیروهای دلتا به تهران وارد شده بود. او همچنان با این سرویس ارتباط نزدیک داشت. به رغم حمایت آمریکا و متحدانش در منطقه، سعودی‌ها هنوز احساس امنیت نمی‌کنند. در واقع آنها نه تنها از حجاج ایرانی، بلکه از حجاج دیگر کشورها نیز می‌ترسند.

منابع اطلاعاتی غرب به سعودی‌ها گفته‌اند که حتی





مسلمانان دیگر کشورها از جمله مسلمانان خاورمیانه تبلیغات سعودی را در مورد قتل عام حجاج در سال گذشته باور ندارند. عربستان سعودی برای رعایت تمامی جوانب احتیاط، رسماً همکاری خدمات ضد تروریستی آلمان، متشکل از ژنرال «اولریخ وگنر» و هفت تن از هم قطاران آلمانی‌اش با نیروهای مسلح خود را تمدید کرده است. «وگنر مبتکر عملیات قتل عام سال گذشته سعودی‌ها در مکه بود.»

«... متخصص امور ضدشورش می‌افزاید: هدایت و فرماندهی عملیات کشتار حجاج مکه در جمعه گذشته توسط ژنرال «اولریخ وگنر» فرمانده کل سابق گروه کماندویی «گ.اس.گ. ۹» صورت گرفته است. «اولریخ وگنر» قبلاً از مسؤولان سعودی خواسته بود که نهایت خشونت ممکن بکار گرفته شود.

وگنر که از شش ماه پیش در عربستان به نیروهای





آن کشور آموزش‌های ویژه داده است، در هنگام کشتار مستقیماً اجرای عملیات را هدایت می‌کرد. توجیه حضوری وی، دارا بودن عنوان رسمی مشاور امنیتی شهر مکه بوده است.»

ادعای آمریکا مبنی بر بمب اتمی داشتن عراق

دولت عراق موظف بود بنابر مفاد لازم برای بازرسی‌ها(طبق قطعنامه‌ی ۱۴۴۱ شورای امنیت) همه‌ی ظرفیت ساخت جنگ‌افزارهای خود را اعلام کند. در همین راستا عراق در روز ۱۲ آبان ۱۳۸۱ (۳ نوامبر ۲۰۰۲) گزارشی ۱۱،۸۰۰ صفحه‌ای به شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کرد و در آن عنوان نمود که هیچ جنگ‌افزار کشتار جمعی در اختیار ندارد.

نسخه‌های روگرفت این گزارش به طور غیررسمی در اختیار چندین روزنامه‌نگار اروپایی قرار گرفت. کلمبیا که در آن



زمان رئیس دوره‌ای شورای امنیت بود به سران ایالات متحده اجازه داد به طور مخفیانه ۸۰۰۰ صفحه از این گزارش را پیش از آن که در اختیار تمام اعضای شورا قرار گیرد حذف کند. از همین رو شورا این گزارش را ناقص اعلام کرده و عراق را ناقض مسئولیت‌های خود اعلام نمود. صفحات حذف‌شده مشتمل بر جزئیات کمک‌های شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی آمریکایی و اروپایی بود که در گذشته در توسعه‌ی جنگ‌افزارهای شیمیایی و میکروبی و تجهیزات ساخت بمب اتمی به عراق کمک کرده بودند.



کشتار حلبچه





بایگاه خبری تحلیلی اروم نیوز
بمباران شیمیایی سردشت ۱۳۶۶





ادامه جنگ آمریکا با ایران از خاک عراق پس از صدام





آمریکا حامی گروهک منافقین

گروهک منافقین در سال ۱۹۹۷ در فهرست گروهک های تروریستی آمریکا قرار گرفت، اگر چه در پشت پرده و پنهانی این گروهک مورد حمایت آمریکا قرار داشت، بعد از شکست صدام و تغییر سیاست های منطقه ای، آمریکا حمایت های خود از منافقین را علنی کرد. در سال ۲۰۱۲ این گروه را از لیست گروه های تروریستی خارج کرد. دولت آمریکا علاوه بر اینکه دو پایگاه سابق نظامی خود

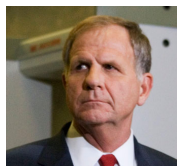
در عراق را به عنوان پناهگاه های امن، در اختیار تروریست های سازمان منافقین قرار داد، سال ها است که با کمک های مالی و تامین اسلحه، این





سازمان را در جنگی نیابتی علیه ایران حمایت می‌کند. حمایت مخفیانه آمریکا از سازمان تروریستی منافقین که روزی در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار داشت، حداقل از سال ۲۰۰۸، در زمان ریاست جمهوری دولت بوش، ادامه داشته است. در آن زمان «سیمور هرش»، در مقاله‌ای با عنوان «آماده کردن میدان جنگ» که در سال ۲۰۰۸ در روزنامه «نیویورکر» منتشر شد، گزارش داد که منافقین نه تنها به خاطر نقش خود به عنوان یک نماینده احتمالی در نظر گرفته شده بودند، بلکه دولت آمریکا برای راه‌اندازی جنگ در داخل ایران، شروع به مسلح کردن و حمایت مالی از آن‌ها کرده بود.

تد پو قاضی، حقوقدان و رئیس کمیته ضدتروریسم کنگره آمریکا، یکی از فعال ترین اعضای کنگره در دفاع از گروهک منافقین برای خروج از فهرست سیاه بود.





تد پو در وب سایت خود نوشت: «سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در سال‌های اخیر با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا برای کسب اطلاع از فعالیت‌های داخل ایران فعالانه کار می‌کند.

با فشار گسترده مردمی در عراق، دولت عراق همچنین در پارلمان عراق مقرر کردند منافقین از پادگان اشرف اخراج شوند.

پس از تخلیه پادگان اشرف و اخراج منافقین از این مکان، این آمریکا بود که با در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی خود به عنوان مکان امن، زمینه ماندگاری این گروه تروریستی در عراق را فراهم کرد و البته در مقابل هر خطری نیز این گروه را حمایت و حفاظت می‌کند.

حفظ منافقین در پادگان آمریکا در عراق برای ادامه عملیات تروریستی علیه ایران، با وجود تجمع اعتراضی مردم عراق علیه منافقین و اصرار مجلس و دولت عراق بر



اخراج منافقین از خاک عراق آمریکا کماکان منافقین را در عراق حفظ کرده است.

ایجاد داعش برای جایگزینی مأموریت صدام

هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود می نویسد: ما در جنگ عراق، سوریه و لیبی شرکت کردیم و همه چیز خوب بود اما به یکباره

انقلاب سی ام ژوئن در مصر علیه دولت اخوان المسلمین روی داد و همه چیز در مدت ۷۲ ساعت تغییر کرد. ما با اخوان المسلمین در مصر توافق کرده بودیم دولت



اسلامی در سینا تشکیل شود. قرار بود بخشی از سینا به حماس و بخش دیگر آن به اسرائیل واگذار شود و حلایب و



شلاتین به سودان ملحق شود و دولت مصر مرزها با لیبی را در منطقه السلوم باز کند.

وی افزود: قرار بود ما در روز پنجم ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳ در نشستی با دوستان اروپایی خود دولت اسلامی را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله پس از تشکیل آن، توضیح دهم. اما به یکباره همه چیز در برابر چشمان ما فرو ریخت.

وزیر سابق امور خارجه آمریکا در ادامه بیان طرح های واشنگتن برای منطقه خاور میانه نوشت: ما از طریق اخوان المسلمین در مصر و دولت اسلامی که قرار بود تشکیل شود منطقه را تقسیم می کردیم و پس از آن توسط عوامل خود از اخوان المسلمین به سراغ کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می رفتیم. ابتدا کار از کویت آغاز می شد و



به ترتیب به سراغ امارات، بحرین و عمان می رفتیم. در پی آن، تقسیمات منطقه عربی و مغرب عربی به طور کامل تغییر می کرد و ما تسلط کامل بر منافع نفتی و گذرگاه های دریایی پیدا می کردیم.

تلاش آمریکا برای جایگزین کردن داعش بجای صدام برای جنگ با ایران ، در سال ۲۰۱۴ میلادی عناصر ناتو با مسعود بارزانی تماس گرفتند و اعلام داشتند: «عملیاتی توسط داعش آغاز خواهد شد که هیچ مزاحمتی برای شما ندارد. شما عکس العمل نشان ندهید آنها تهدیدی برای شما نخواهند بود.» آنها هم فریب آمریکا را خوردند و سکوت کردند.

در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۴ عملیات آغاز شد و شهرهای موصل (استان نینوا)، تکریت، پادگان ضلوعیه، منطقه دهلاویه و یثرب، پالایشگاه بیجی، پایگاه هوایی اسپایکر و سد حدیثه اشغال شد و داعش خود را تا نزدیک مرز ایران رساند.



مرحله بعدی تصرف بغداد و هم مرز شدن کامل با ایران
برای آغاز جنگ جدید بود، که با فتوای مراجع این خط
خنثی شد.

صدور حکم جهاد از سوی آیت الله سیستانی



تجمع اعتراضی مردم عراق علیه منافقین در سال ۲۰۱۱



مریم رجوی سرکرده
گروهگ منافقین در جمع
اعضای کنگره آمریکا





بسم الله الرحمن الرحيم
مرجعیت در عراق با نگرانی شدید تحولات
امنیتی اخیر در استان نینوا و مناطق
همجوار آن را دنبال می کند، و بر این
اساس بر وحدت کلمه حکومت عراق و
همه مسئولین سیاسی کشور و تقویت هر
چه بیشتر تلاش ها در مقابله با تروریسم
و فراهم ساختن حمایت کامل از شهروندان در برابر شرارت
های تروریسم تأکید می کند.
رحم الله شهداءهم الأبرار و من علی جراحهم بالشفاء العاجل
و الله سمیع مجیب.

۱۴۳۵/۸/۱۱

۲۰۱۴/۶/۱۰





بیانات آیت الله خامنه ای در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

بنده خبرهایی دارم از اینکه دشمنان ما با همراهی برخی از مسئولان سفیه منطقه‌ی خلیج فارس - نه همه‌شان، بعضی - درصدد هستند که جنگهای نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند. پاسداران انقلاب اسلامی و همه‌ی پاسداران حریم امنیت ملی در سازمان‌های مختلف بیدارند، هوشیارند. این را بدانند که اگر شیطنتی صورت بگیرد، واکنش جمهوری اسلامی بسیار سخت خواهد بود.

۱۳۹۴/۳/۳۰

آمریکا حامی اصلی تکفیری ها

ادوارد اسنودن پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا تاکید کرد: سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل گیری گروه موسوم به دولت اسلامی



در عراق و شام «داعش» نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور» گروه داعش را تشکیل دادند.

به گزارش شبکه تلویزیونی الاخباریه سوریه، ادوارد اسنودن فاش کرد: گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده است و هدف عملیات «لانه زنبور» تشکیل گروهی

با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و بر اساس اندیشه های تکفیری، سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه بگیرد. اسنودن همچنین فاش کرد: سرکرده داعش دوره فشرده‌ای را به مدت یکسال زیر نظر عوامل موساد پشت



سر گذاشته است؛ وی در این دوره آموزش های نظامی و سخنوری را دیده است.

رابطه حزب بعث با داعش

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در افشای ملیت سرکرده های اصلی داعش نوشت: بیشتر سرکردگان داعش از افسران ارتش رژیم سرنگون شده بعث عراق هستند. روزنامه واشنگتن پست به نقل از ابو حمزه، یکی از سرکردگان داعش که پس از اختلاف با خط مشی این گروه تروریستی به ترکیه گریخته است، نوشت: افسران بعثی در گروه داعش در صدر هرم فرماندهی این گروه قرار دارند و علاوه بر این، تدوین تاکتیک های نظامی و طرح های نبرد نیز بر عهده آنان است.

عزت الدوری، معاون اول سابق صدام رئیس جمهور عراق و نایب رئیس شورای رهبری انقلاب عراق تا سال ۲۰۰۳



و دبیر کل حزب بعث که به داعش پیوست و کشته شد. افسران بعثی که در دوران صدام، روش‌های مختلف سنگدلی و قساوت را آموزش دیدند و به راحتی مردم عراق را قتل عام می‌کردند امروز نیز اقدامات شنیع داعش در سربردن گروگان‌ها و رفتار شنیع با زنان ایزدی را مدیریت می‌کنند.



جنايات داعش در پایگاه نیروی هوایی اسپایکر در تکریت زادگاه صدام، مصداق عینی دیگر نمایش اقدامات تربیت یافتگان افسران بعثی در دوران صدام است که هم اکنون داعش را در بعد نظامی و دیگر طرح‌های آن هدایت می‌کنند.

اقدامات شنیع داعش در عراق که یادآور دوران حکومت



دیکتاتوری ۲۴ ساله صدام در عراق است، تنیدگی و همکاری داعشی‌ها و بعثی‌ها را نمایان می‌کند و تکرار جنایات صدام به دست داعشی‌ها، نشان دهنده تاثیرگذاری افسران بعثی بر این گروه مورد حمایت آمریکا، اسرائیل و ترکیه است. آمریکا هنوز هم به صدام وفادار است

قضاوت بیگانگان در مورد رابطه رژیم آمریکا با جنگ تحمیلی

در سراسر این هشت سال جنگ، عراق به چشم خریدار کاملاً قانونی سلاح نگریسته می‌شد در حالی که ایران در صحنه بین المللی [به خصوص در بازار اسلحه] مطرود و رانده شده بود. (تیمرن، ۱۳۷۶: ۳۳۵)

معیارها و برخورد‌های دوگانه آمریکا در رابطه با کشورها بر خلاف ادعاهای بشر دوستانه و اخلاق مدارانه در بررسی موضع و سیاست آمریکا در خصوص منطقه به ویژه در



طول جنگ ایران و عراق، وجود نوعی عملکرد دوگانه را نمی توان منکر شد. اگر با دیدی انتقادی به موضوع نگاه کنیم این منافع آمریکا بود که سیاست های این کشور را در منطقه مشخص می کرد، نه معیارهای اخلاقی که آمریکا مدعی آنهاست و اگر غیر از این بگوییم حقیقت را کتمان کرده ایم. (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۷)

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در افشای ملیت سرکرده های اصلی داعش نوشت: بیشتر سرکردگان داعش از افسران ارتش رژیم سرنگون شده بعث عراق هستند. روزنامه واشنگتن پست به نقل از ابو حمزه، یکی از سرکردگان داعش که پس از اختلاف با خط مشی این گروه تروریستی به ترکیه گریخته است، نوشت: افسران بعثی در گروه داعش در صدر هرم فرماندهی این گروه قرار دارند و علاوه بر این، تدوین تاکتیک های نظامی و طرح های نبرد نیز بر عهده آنان است.



صدام؛ چهره نفرت انگیزی که آمریکا به عنوان ژاندارم جدید منطقه پذیرفت.

فلسفه کاخ سفید در زمان ریگان این بود که اگر چه صدام حسین چهره ای نفرت انگیز است اما می تواند به عنوان ژاندارم جدید آمریکا در منطقه پذیرفته شود.

با طولانی شدن جنگ ایران و عراق که ۸ سال ادامه یافت کاخ سفید حجم مناسبی از زمان را صرف طراحی و تهیه استراتژی های پنهان و آشکار برای تقویت صدام نمود تا اواخر دهه ۱۹۸۰ م عراق در مدت زمان کوتاهی به ابزار دست کاخ سفید و عامل اصلی تقویت منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا در خلیج فارس تبدیل شد.

(فریدمن، ۱۹۲۰: ۱۳۸۳)



نتیجه گیری

« آمریکا در سراسر جنگ ادعای بی طرفی می کرد، اما دولت مردان واشنگتن مصداق ضرب المثل «عالم بی عمل» بودند. کاخ سفید با اتخاذ رویکردی مثبت به پیشروی های اولیه عراق در ایران، امیدوار بود که حکومت مذهبی ایران سرنگون شود. اما وقتی ایران نشان داد که می تواند نیروهایش را بار دیگر سازمان دهی کند و با استفاده از جمعیتش که بسیار بیشتر از عراق بود، نیروهای عراقی را از خاکش بیرون راند، موضع واشنگتن تا حد زیادی تغییر کرد. از آن به بعد، آمریکا بطور تمام قد به جانبداری از عراق پرداخت. آمریکا جانب داریش را با روش های مختلفی نشان داد. کاخ سفید در سازمان ملل در حمایت از عراق به دیگر کشورها فشار می آورد. روابط دو جانبه اش را با عراق از سر گرفت و با وجود نداشتن مدرکی روشن، ایران را به جای عراق در فهرست کشورهای { با اصطلاح }



حامی تروریست قرار داد. در چشم پوشی از استفاده گسترده عراق از سلاح های شیمیایی تا آنجا پیش رفت که بیم آن میرفت که اعتباری برای آمریکا در مجامع بین المللی نماند. وام های سنگینی به عراق اعطا کرد. اطلاعات جاسوسی مهمی عراقی ها قرار داد، در ارسال تجهیزات جنگی به عراق از طریق طرف های ثالث فرو گذار نکرد. و سرانجام، آمریکا نشان داد که در استفاده آشکار از نیروی نظامی اش در حمایت از عراق برای پایان دادن به جنگ هیچ ابایی ندارد و با این حال، اهمیت ایران از نظر جغرافیای راهبردی (ژئواستراتژی) هنوز هم از عراق بیشتر بود و آمریکا در طول جنگ و تا زمانی که ماجرای خجالت آور ایران - کنترا اتفاق افتاد همچنان باب مذاکره برای از سرگیری روابط با ایران را باز نگه داشته بود.

با توجه به اقدامات جانبدارانه ایالات متحده به نفع عراق و علیه ایران بایستی گفت که این کشور به هیچ عنوان



اصل بی طرفی را در روابط خود با دول متخاصم رعایت نکرده بلکه حمایت هایش از عراق عامل مهمی در تطویل جنگ به مدت هشت سال بوده است. اگر حمایت های بلوک شرق و غرب از عراق متجاوز نبود، زندگی در سال دوم با فتح خرمشهر از سوی ایران و بازگشت عراق به مرزهای بین المللی و متجاوز شناخته شدن عراق میتوانست خاتمه یابد. باید گفت آمریکا نقش مهمی در طولانی شدن زمان جنگ، فرسایشی شدن و در نتیجه از دست دادن جان هزاران انسان بی گناه داشت.

واقعیت اینست که در طول ۸ سال دفاع مقدس ۵۱ به رهبری آمریکا بود که با ملت ایران می جنگید نه کشور عراق.

واقعیت اینست که این آمریکا بود که به ایران تجاوز کرده بود منتها با استفاده از خاک و نیروی انسانی عراق. آمریکا با فریب صدام، با هجوم به کشور ما، دولت





مقتدر ایران را سرگرم دفاع از کشور خود نمود.
۱۳۶۲/۶/۳۱ پیام امام خمینی به مناسبت آغاز هفته جنگ
تحمیلی واقعیت اینست که حمله و تجاوز آمریکا امروز
هم ادامه دارد:

شاه را زدیم تروریست ها را آوردند، تروریست ها را دفع
کردیم صدام را آوردند. صدام را شکست دادیم، تکفیری
و داعشی را آوردند اینها و آل سعود زده شوند آل جنایت و
فرقه جدید دیگری را می آورند.
پس همه مرگ ها را باید یک جا نثار آمریکا کنیم که
عامل همه این جنایت هاست.



و ...



بلوکه کردن
اموال ایرانیان



حزب کوموله و دموکرات







امام خمینی (ره):

همه بدبختی های مسلمین زیر سر آمریکاست. ۱۳۵۸/۱۲/۲۰

همه گرفتاری که ما داریم از دست آمریکا داریم. ۱۳۵۷/۳/۱۰

هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید ۱۳۵۸/۹/۶

پس

مرگ بر آمریکا



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
مَرگ بر آمریکا
Down with U.S.A

در واقع مرگ بر آمریکایی که مردم ما می گویند، مثل همان أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ است که
اول هر سوره‌ی قرآن قبل از بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفته می شود.

عسرم

۱۳۸۳/۱۲/۲۴

